

استاندار نباید
کسرشانش باشد که با
امام جمعه مشورت کند



صفحه ۲

شهروند خوب،
شهر خوب می خواهد



صفحه ۴

حاشیه های از رونمایی
مستند ۱۶۲ گزارش
کشور فقط دانشگاه
امام صادق نیست

صفحه ۱۲

شماره بیست و یکم - چهارشنبه ۶ دی ۱۳۹۱ - ۷ شروینه ماه ۱۵۲۴ تبری

نقدی بر جابه جایی درراس یک فرمانداری تازه تاسیس

آزمایشگاهی به نام میاندرود



چگونه بحران را مدیریت کنیم؟

صفحه ۵

تیترا اخبار

گفت و گو با پزشک آملی
پادزهر قرص
برنج دست
من است



صفحه ۵

به بهانه سالگرد عملیات (کربلای ۴)

هیچ کس سالم
برنمی گردد

صفحه ۸

گزارش تصویری از چله شو
در روستای سنگده دودانگه



صفحه ۱۱-۱۰

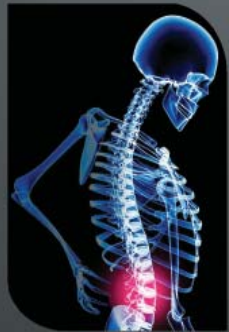


باورزش سلامتی خود را تضمین کنید.

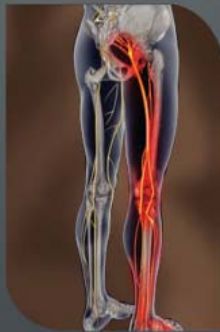
کلینیک تخصصی درد
دکتر رضا شاکری

بابل میدان شهید کشوری
روبروی بیمارستان بهشتی
مجتمع پزشکی بهزاد

www.kamardard.ir



طب سوزنی
نوار عصب و عضله



توانبخشی
بیماری های
استخوان



مفاصل مغز و اعصاب
متخصص
طب فیزیکی

امیدوارم روزی زندگی پزشکی مردم هم شفاف شفاف شود و در آن
روزهیچکس از درمان غیر جراحی دیسک محروم نماند و در
صورتیکه بیماریش بدون عمل جراحی قابل درمان است.



دوستان و همراهان مازندنومه!

افتخار داریم در یازدهمین سالگرد راه اندازی این پایگاه خبری و
در راستای احترام به مخاطبین فرهیخته مان در اقدامی نو بخش
روزنامه آنلاین را راه اندازی کنیم.
شما می توانید فایل (Pdf) هر شماره را از بخش آرشیو آن به
صورت رایگان دریافت کنید.

توجه: نسخه روزنامه ی آنلاین مازندنومه آماده انتشار آگهی های
سازمان ها، صنایع و افراد حقیقی و حقوقی است.
تلفن تماس: ۰۹۳۶۰۷۳۳۲۶ ایمیل: info@mazandnume.com

نشد که نشد!

استاد حسین اسلامی - نویسنده و پژوهشگر و پایه گذار مرکز ساری شناسی - در تازه ترین نامه خود به استانداری مازندران بخشی از دغدغه های فرهنگی خود را واگویی کرده است. یک نسخه از این نامه به دست ما نیز رسیده که در پی می آید:

جناب آقای مهندس طاهائی
استاندار محترم مازندران
باسلام

یادتان هست، نامه ها نوشتیم، ناله ها کردم، جوش ها زدم که کمک کنید.
۱- سرباز خانه بی سرباز ساری آزاد بشود، نشد که نشد!
۲- این ننگ را از روی ساری بردارید که تنها مرکز استان بدون موزه کشور است، این اداره میراث باز هم بازی کرد و کلنگ ساخت موزه را هم زدند ولی باز هم مردم را مسخره کردند، چندین جا به آنها زمین دادند، برای فرار از کار ساخت موزه بهانه ها گرفتند و فقط بازی و بازی. هنوز هم خبری نیست!
۳- چقدر التماس کردم که این آقای صلاحی رئیس کتابخانه ملی است مازندران هم هست، تمام استان ها شعبه کتابخانه ملی و مرکز اسناد دائر شد، ما ده ها هزار سند از مازندران در مرکز اسناد ملی داریم، کتابخانه ملی فقط یک مکان نیاز داشت، شما به آقای ابراهیمی معاون سیاسی دستور دادید، باز هم نشد که نشد.
۴- از آرامستان تاریخی اسبیه جا (سفید چاه) چقدر گفتیم و نوشتیم، چه شد؟
۵- چقدر ناله کردم که حداقل این روبروی استانداری که حمام صادق خان یک اثر ملی ثبت شده است را از زباله دانی خارج کنند، باز هم نشد که نشد. هنوز هم زباله دانی است!

۶- حالا از ده ها اثر ملی و بین المللی ثبت شده در مازندران که دارند ویرانه می شوند مثل حمام حاج درویش علی در ساری، شاطر گنبد ساری، چشمه سورت چهار دانگه، حتی برج رسکت دودانگه و خانه های قدیمی ساری، و... را بشمارم و بنویسم خسته می شوید، شاید هم ناراحت! حالا آقای استاندار، بفرمائید تا چه زمانی و تا کجا مازندران به اسم داشتن اداره میراث که هرگز فعال نبوده باید این گونه صدمه ببیند؟ خجالت می کشم که از پدیده ی شوم و ضد فرهنگ ویلا داریم ها بنویسم، از آب انبارها و بناهای تاریخی حتی امامزاده ها و... چرا این درد کهنه و مزمن مازندران درمان نمی شود؟ چرا اصلاً یک گوش شنوا نیست که بشنود مازندران در اینجا هم درد دارد؟ این که نشد ما اداره میراث داشته باشیم اما شاهد این همه بی توجهی به میراث فرهنگی مازندران؟ آقا سید حسن موسوی هم از میراث رفت و شد رئیس دفتر رئیس جمهوری بدون اینکه یک قدم کوچک برای مازندران بردارد، او هم با مازندران بازی کرد! با ساری یک شوخی تلخ کرد، معاونش را فرستاد، کلنگ موزه ساری را زد. اما این کلنگ زنی هم روی هوا بود! آقای استاندار تا کجا به فردای تاریخ چه پاسخی باید داد؟ مگر چقدر به عمر این دولت مانده؟ فردا که دولت یازدهم بیاید و قطار قطار نیروهایش را بیاورد تازه باید از صفر شروع شود. و باز آن زمان طلبکار خواهند شد که تازه آمدند، گذشته ها به آنها مربوط نیست، و باز ما بدهکاریم که خیلی حرف می زنیم، مگر سکوت آدم مرگ آدم و عالم نیست؟

با احترام:
حسین اسلامی

رونوشت: آقای سید رمضان شجاعی
آقای محمد دامادی
جهت سرگرمی و رفع خستگی از ده گردپهای شبانه روزی، ان شاء... به زودی طرح تبدیل نام شهر ساری را به ده ساری به وزارت کشور پیشنهاد خواهیم کرد، تا حضور نمایندگان را در این ده بزرگ هم داشته باشیم. قطعاً این طرح با هزاران امضا ساروی ها تقدیم خواهد شد.

یک شهر
و دو قانون



کلثوم فلاحی
خبرنگار مازندنومه

مدتی است که نرخ کرایه تاکسی در سطح شهرستان ساری، افزایش یافته است و برخی رانندگان تاکسی در ساعت های شبانگاهی، نرخ بیشتری طلب می کنند. مدیرکل تعزیرات مازندران، افزایش نرخ تاکسی در شب را غیرقانونی اما نماینده شورای شهر ساری در سازمان تاکسی رانی، این موضوع را قانونی عنوان می کند. در این زمینه با برخی از مسئولان شهری و استانی گفت و گو کردیم.

دستورالعمل نداریم

مدیرکل تعزیرات مازندران اظهار داشت: اداره کل تعزیرات حکومتی، متولی تهیه گزارش در خصوص تخلف نیست بلکه مامسئول رسیدگی به پرونده ها هستیم. مهدی عباسی ادامه داد: در رابطه با افزایش نرخ تاکسی هم، چنانچه تخلفی صورت گیرد باید به ما گزارش شود تا بررسی کنیم. این مسئول ادامه داد: دستورالعملی مبنی بر متفاوت بودن نرخ کرایه تاکسی در روز و شب نداریم. وی افزود: شهروندان هرگونه تخلف را با ما در میان بگذارند و آمادگی داریم که همواره به این مسائل رسیدگی کنیم.

مصوبه نداشتیم

معاون عمرانی فرمانداری ساری در این زمینه گفت: فرمانداری ساری، مصوبه ای برای افزایش نرخ کرایه تاکسی در سطح شهرستان نداشته است. محسن مجیدی با اشاره به اینکه اعضای شورای شهر ساری در رابطه با افزایش نرخ تاکسی، به یک نامه از استانداری مازندران استناد کرده بودند، افزود: قرار بود این نامه را به ما رجوع دهند که این کار هنوز صورت نگرفته است. وی با بیان اینکه نظر فرمانداری بر این



داده است، متذکر شد: اما تاکسی رانی این مصوبه را بلاغ کرده و نظارت هم می کند. وی در رابطه با افزایش نرخ کرایه تاکسی در ساعات شب که توسط برخی رانندگان اعمال می شود، گفت: بر اساس قانون در شش ماه نخست سال از ساعت ۲۱ و در شش ماه دوم سال از ساعت ۲۲، کرایه تاکسی ۴۰ درصد در افزایش می یابد. عضو شورای شهر ساری با بیان اینکه شهروندان، هرگونه تخلف در این زمینه را با ما در میان بگذارند، افزود: شکایات شهروندان در کمیته انضباطی سازمان تاکسی رانی بررسی شده و در صورت اثبات تخلف، با راننده مورد نظر به شدت برخورد می کنیم. احمدی با اشاره به اینکه رانندگان تاکسی هم شهروندان ساروی هستند، تصریح کرد: این رانندگان شغل بسیار پر درد سری دارند و از طرفی در سرما و گرما در خدمت شهروندان بوده و از سوی دیگر هم با بیماری هایی مانند دیسک کمر و گردن مواجه هستند و همچنین با توجه به افزایش قیمت لوازم یدکی و قیمت تعمیرات خودرو، فشار مضاعفی را متحمل می شوند. وی با بیان اینکه در مجموع افزایش نرخ کرایه تاکسی ۲۰ تا ۲۵ درصدی را شاهد هستیم، گفت: حدود سه هزار نفر رانندگی تاکسی در شهرستان ساری داریم که قشر عظیمی بوده و در امنیت روانی جامعه تاثیرگذار هستند. احمدی با اشاره به اینکه نرخ کرایه تاکسی باید در ابتدای هر سال افزایش یابد، افزود: مادر ابتدای سال ۹۱، هیچ افزایش نرخ خودرو را در شهر ساری نداشتیم.

بود که تا اعلام نظر استانداری در زمینه افزایش نرخ کرایه تاکسی، صبر کنیم، یاد آور شد: تخلفات در این زمینه را سازمان صنعت، معدن و تجارت باید بررسی کرده و پرونده را به اداره تعزیرات حکومتی ارجاع دهد.

نظارت بر عهده فرمانداری ها و شهرداری هاست
معاون نظارت و بازرسی سازمان صنعت، معدن و تجارت در این رابطه گفت: نظارت بر تاکسی های درون شهری بر اساس قانون، بر عهده فرمانداری ها و شهرداری ها است. حسین اصغرزاده با بیان اینکه فرمانداری و شهرداری باید به شکایت های مردمی در رابطه با افزایش نرخ کرایه تاکسی و تخلف های احتمالی، رسیدگی کنند، خاطرنشان کرد: اگر برای ما تکلیف کنند و کمک بخواهند، ما همکاری می کنیم.

افزایش کرایه قانونی است

نماینده شورا در سازمان تاکسی رانی شهرداری ساری در رابطه با افزایش نرخ کرایه تاکسی، اظهار داشت: با توجه به افزایش کلیه نرخ هادر کشور و تورم به وجود آمده، افزایش نرخ کرایه تاکسی شهری، توسط سازمان تاکسی رانی به شهرداری و از شهرداری هم به شورا پیشنهاد شد و شورا هم به اتفاق، این افزایش نرخ را تصویب کرد. سید مهدی احمدی با بیان اینکه فرمانداری ساری در رابطه با این افزایش نرخ، مقاومت هایی را انجام

دبیرستان دانش، دست تقدیر یا شاید دست های پشت پرده اجازه نداد که دبیرستان دانش به فعالیت آموزشی اش ادامه دهد و در سال ۱۳۵۳ قیمت نفت بالا رفت و در سال ۱۳۵۴ همه مدارس ملی کشور از جمله همین دبیرستان تعطیل شد. در مهرماه ۱۳۸۹ مراسم با حضور دانش آموزان سال های دور دبیرستان دانش و برخی معلمان و مدیر دبیرستان در دانشگاه علوم و فنون بابل برگزار شد که در این کتاب علاوه بر عکس های قدیمی دبیرستان و دانش آموزان آن، تصاویر این مراسم و نیز گردهمایی دوم که در سال ۱۳۹۰ برگزار شد، آمده است. پس از پیش گفتار، پیام موسس دبیرستان ملی پسرانه دانش و تاریخچه ای از دبیرستان های بابل آمده است و پس آن گاه دبیران و دانش آموزان این دبیرستان معرفی شده اند. در ادامه کتاب هم عکس های اولین (۱۳۸۹) و دومین (۱۳۹۰) گردهمایی دانش آموزان دبیرستان ملی دانش چاپ شده است. قیمت این کتاب ۱۲ هزار تومان و کاغذ و تصاویر مورد استفاده نیز رنگی است.



یادگارهای دبیرستان تربیت
عکس: دکتر سیف الرضا شهابی
دکتر سیف الرضا شهابی

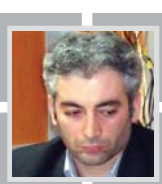
کتاب "یادگارهای دبیرستان دانش" به کوشش دکتر سیف الرضا شهابی در ۱۶۰ صفحه، به وسیله نشر رسانش چاپ و پخش شد. پیش گفتار کتاب با این بیت آغاز شده است: ما نمایم و عکس ما ماند / کار دنیا همیشه برعکس است
به نوشته کوشنده کتاب، دبیرستان ملی پسرانه دانش در سال ۱۳۴۵ به همت اسماعیل قاسمی در چهارشنبه پیش بابل در ساختمان استیجاری شخصی به نام حبیب زاده راه اندازی شد. این مدرسه در همان سال نخست تغییر مکان داد و به مرکز شهر و در کوچه ای حمام مرکزی، جنب سینما سانترال (مهر/ انقلاب) منتقل شد تا سال ۱۳۵۴ که تعطیل شد. دکتر شهابی در ادامه پیش گفتار کتاب آورده: "دبیرستان دانش در اندک زمانی کوتاه توانست جایگاه اصلی خود را در میان مردم پیدا کند و به خاطر برنامه ریزی های دقیق و حساب شده مدیر دبیرستان و استفاده از دبیران مجرب و باسواد، این امکان را یافت که سرآمد دبیرستان های پسرانه بابل شود. به گفته این شاگرد قدیمی

استان را نیز فراهم کرد تا اثری ماندگار برای گیلانی ها به جای بماند. وی نیز همچون نماینده ولی فقیه در مازندران بر این باور است که دانشنامه نقش مهمی در آشنایی نسل جوان با سرمایه های عظیم تاریخی، اعتقادی و آداب و رسوم سرزمین مازندران ایفا می کند. استاندار، نام استاد انوشه را در تالیف و تدوین دانشنامه یک برند توصیف کرد. از نکات جالب توجه بازدید استاندار، علاقه مندی وی نسبت به



استاندار نشست تا بداند
حاضر است در هر جلسه ای با موضوع دانشنامه حضور یابد. استاندار مازندران نیز به اتفاق مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی که دبیری تدوین دانشنامه را بر عهده دارد در جمع اعضای تهیه دانشنامه حضور یافت. سید علی اکبر طاهایی، در زمان تصدی بر مسند استانداری گیلان، زمینه تدوین دانشنامه این

مازندرانی ها از یک دانشنامه جامع که معرف هویت و داشته های غنی مردمان این دیار باشد، محروم بوده اند. سرانجام دغدغه های مسئولان استان محقق شد و تدوین دانشنامه مازندران رنگ و بویی اجرایی گرفت. مهم ترین دستور جلسه نشست اخیر شورای فرهنگ عمومی مازندران اختصاص به تهیه دانشنامه داشت. نماینده ولی فقیه و استاندار مازندران پس از جلسه شورای فرهنگ عمومی به دفتر تدوین دانشنامه رفت تا در گفتگو با استاد حسن انوشه - که مسئولیت این پروژه بزرگ فرهنگی را عهده دار است - از پیشرفت کار آگاه شود. آیت الله نورالله طبرسی، دانشنامه راهبیت مردم مازندران توصیف و نکات ارزنده ای را برای پرپرا شدن دانشنامه گوشزد کرد. وی اعلام کرد که برای همراهی و حمایت از این حرکت فرهنگی،



عباس مهدوی
روزنامه نگار

کتاب و کتابخوانی بود. طاهایی وقتی به قفسه های کتاب های مورد استفاده دانشنامه رسید، برخلاف حاضران بر زمین نشست و شروع به دیدن کتاب ها و پرسیدن از استاد انوشه کرد. شوق مدیر ارشد استان برای دانستن می تواند انگوی خوبی برای سایر مدیران و توجه هر چه بیشتر به فرهنگ، مطالعه و کتاب باشد.

گزارشی از مراسم تودیع و معارفه فرمانداران قدیم و جدید مازندران استاندار نباید کسرشانش باشد که با امام جمعه مشورت کند



مرکزی هم هست. جبی در ادامه به برخی کارهای انجام شده در شهرستان اشاره کرد و گفت: در بخش توسعه کشاورزی ما سه میلیارد و ۵۰۰ میلیون اعتبار داشتیم که بیش از ۷۰ درصد آن محقق شده است و توانستیم آن را جذب کنیم که به این رقم میزان هفت میلیارد اعتبارات استانی را هم اضافه کنید.

در شرایط خاصی قرار داریم

طاهایی استاندار مازندران در این مراسم با بیان اینکه دومین باری است که در مازندران برای معارفه فرماندار می آیم، افزود: در مباحث ابتدایی ما آقای رجبی مطرح نبود و ما به اقتضای شرایط چنین تصمیم گرفتیم. وی با بیان اینکه مشورت و مشاوره حق آقای رسولی ایست افزود: بنده به ایشان حق می دهم اما اقتضای شرایط به ما اجازه این کار را نداد.

استاندار مازندران با بیان اینکه بعد از انتخابات برخی مسایل در نکا به وجود آمد، افزود: ما برای همدلی و هم افزایی بیشتر در این منطقه مجبور به اتخاذ این تصمیم شدیم. طاهایی با اشاره به اینکه فرماندار نکا بیش از ۵۰ ماه فرماندار آن شهرستان بوده است افزود: نمی توانستم کسی که سابقه فرمانداری را ندارد، آنجا بفرستم. وی گفت: باید فرمانداری همتراز فرماندار نکا به آنجا می فرستادم در عین حال سعی کردیم که تراز فرمانداری مازندران را هم حفظ کنیم چرا که فرماندار جدید مدیرکل امور روستایی بوده است. استاندار مازندران با تأیید سخنان شورای اسلامی شهرستان و امام جمعه تصریح کرد: مازندران دارای بنگاه های اقتصادی خوبی است که باید تلاش کرد تا ظرفیت این بنگاه ها بیش از گذشته شکوفا شود. طاهایی ابراز داشت: بودجه استان ۲۵۹ میلیارد تومان بوده است که تنها ۱۸ درصد آن محقق شده است و ما در شرایط خاصی قرار داریم. وی با بیان مشکلات استان در این زمینه اظهار داشت: پیمانکار سد گلورد نکا ۲۰ میلیارد تومان طلب دارد در حالی که کل بودجه محقق شده استان ۵۰ میلیارد تومان است. استاندار مازندران با اشاره به سال های جنگ و مدیریت کشور در بحران آن دوره افزود: اگر انقلاب پشت سر امام و رهبری حرکت نمی کرد در همان زمان به دشمن آوانس می داد. وی ادامه داد: انقلاب در مسیر حرکت به سمت قله است و به همین دلیل دشمنان مدام سنگ اندازی می کنند. طاهایی تصریح کرد: اگر دارای بالاترین مقام هم باشیم اما از رهبر جدا شویم سقوط خواهیم کرد. وی تأکید کرد: کسی از عرصه خدمت خارج نشده است و در این میدان تنها چند جابجایی انجام شده است.

منطقه جای کار زیادی دارد

به گزارش خبرنگار ما، در ادامه حکم سرپرستی زارعی قرائت و وی رسماً از امروز به عنوان فرماندار مازندران منصوب شد. ذات الله زارعی با سپاس از خداوند که وی را در بوته امتحان و آزمایش قرار داد تا جوهره خود را نشان دهد، اظهار داشت: مازندران پیشرفت های خوبی داشته است اما عقب افتادگی زیاد در جای جای آن مشاهده می شود. وی با بیان اینکه منطقه جای کار زیادی دارد افزود: این تنها به دست من فرماندار نیست و برای توسعه و پیشرفت نیازمند یاری و همدلی همه مازندرودی ها هستیم. زارعی گفت: شیوه مدیریتی بنده استفاده از خرد جمعی و مشارکت جمعی است که کار مدیریتی بدون مشاوره و مشورت امکان پذیر نیست.

توقع مشورت داشته باشم. امام جمعه مازندران ابراز داشت: چند سالی است که این جابجایی ها انجام می شود و آقایان از ما توقع حمایت دارند و ما هم حمایت می کنیم، اما یک بار شد که آقایان هم بگویند که آقای رسولی شما اینجا کاره ای هستی و به این خاطر ما هم مشورت کنیم؟!

وقتی به بنده گفتند که باید جابجا شوید پذیرفتم

علی رجبی هم در این مراسم ضمن تشکر از همه مردم مازندران ابراز داشت: چون اطاعت را واجب کفایی می دانم وقتی به بنده گفتند که باید جابجا شوید پذیرفتم. وی با بیان مشکلات ساختمان فرمانداری در شروع کار افزود: ۲۳ ماه در خدمت مردم بودم اما تنها ۲ ماه فرمانداری بنده با پرسنل کامل فعالیت کرد و اکنون هم ۱۱ ماه است که معاون بنده سرپرست بخشدار

هم اختلاف سلیقه داشتیم. رسولی در ادامه به جلسات هفته ای خود با فرماندار جهت مرتفع کردن مشکلات مردم خبر داد و گفت: مشورت به معنای دخالت در کار نیست و این دستور پروردگار به عقل کل عالم یعنی پیامبر اکرم (ص) است. وی ادامه داد: فرماندار نباید کسر شانش باشد که با کارمند ساده خود مشورت کند و استاندار هم نباید کسرشانش باشد که با امام جمعه مشورت کند. رسولی گفت: اگر مشورت می کردند بنده به خودم اجازه نمی دادم که انتقاد کنم چرا که بنده در مشورت کسی را بر استاندار تحمیل نخواهم کرد که الا و بالله باید این کار را انجام دهد. وی با بیان اینکه شش سال است که در میان مردم مازندران زندگی می کنم و به اکثر روستاها رفته و با سلیقه ها و افکار مردم آشنا هستم افزود: آقای استاندار این حق را به بنده بدهید که



حاشیه ها

برنامه که قرار بود در ساعت ۱۰ آغاز شود در ساعت ۱۰:۵۰ دقیقه با حضور استاندار مازندران شروع شد. مراسم با تلاوت قران کریم توسط سرهنگ رجبی (سرعموی فرماندار نکا) آغاز و بعد از آن نیز با پخش سرود جمهوری اسلامی و صلوات خاصه امام رضا (ع) آغاز شد.

در این مراسم رسولی امام جمعه، شفیع مدیرکل اتباع، حجت الاسلام ملاکریمی دادستان، حجت الاسلام حسینی رییس دادگستری و جمع زیادی از مسئولان استانی و محلی حضور داشتند. قاسم زاده رییس شورای اسلامی مازندران گفت: زمانی که به آقای رسولی تلفن کردم، ایشان به خاطر رفتن آقای فرماندار به من تسلیت گفتند.

صدای مجری برنامه در حالی که از زحمات رجبی تشکر می کرد و حجت الاسلام حسینی را برای سخنان خود به جایگاه دعوت می کرد، به شکل پلکانی بالا رفت که حسینی گفت: برار ماشالله ته صدا خلی قویه! وی همچنین خطاب به برگزار کنندگان مراسم گفت: ماعادت نکردیم موقعی که می خورد به نماز ادامه دهیم زیرا که سفارش همه بزرگان بر اقامه نماز در اول وقت است که به همین دلیل بنده سخنان خود را بسیار کوتاه می کنم.

رجبی در ابتدای سخنان خود با تکرار اشعاری که شهید آوینی در وصف شهدا و امام حسین (ع) خوانده بود گفت: برخیز ای چاووش شهر عشق برخیز / غسل زیارت کن زه دست عشق برخیز / بر بند محمل را و بر پا کم علم را / آواز ده آواز عشاق حرم را / هر سر که پیمان بلا دارد بیاید / هر کس هوای کربلا دارد بیاید رجبی همچنین در بخش دیگری از سخنان خود به تلاش بی اندازه خود در شهرستان مازندران اشاره کرد و گفت: ما بدون عینک آمدیم و با عینک می رویم، با موی سیاه آمدیم و با موی سفید می رویم!

رجبی بعد از سخنان رسولی هم عنوان کرد: بنده هیچ گاه به ایشان مشورت ندادم بلکه حاج آقای رسولی استاد اخلاق بنده بوده است و هر چه بوده است مشورت ایشان بوده است.

وی همچنین از دکتر یوسف نژاد و دکتر شجاعی نماینده مردم ساری و مازندران جهت پیگیری بحث شهرستان شدن منطقه تشکر کرد و همچنین از فرزند مازندران هادی ابراهیمی هم سپاسگزاری کرد.

مراسم تودیع و معارفه فرمانداران قدیم و جدید مازندران در سالن همایش اردوگاه دانش آموزی بادله برگزار شد.

در این مراسم علی اکبر قاسم زاده - رییس شورای اسلامی شهرستان مازندران - اظهار داشت: از خصوصیات بارز رجبی برخورد عالی و نیک رفتاری او بود که در شرایط مختلف پاسخگوی مردم بود. وی گفت: دوستان و امام جمعه محترم نگرانی هایی داشتند که انتظار می رفت استاندار محترم و مسئولان ما راهم در جریان امر قرار می دادند. قاسم زاده با اشاره به استعداد و پتانسیل شهرستان در ابعاد مختلف افزود: توسعه و آبادانی منطقه نیازمند نگاه ویژه مسئولان است. وی باریک بودن جاده های دسترسی، تعریض نشدن محور گهر باران، اجرا نشدن میدان در چهار راه آزادگان و برخی موارد دیگر را از جمله کارهای روی زمین مانده شهرستان عنوان کرد.

هر وقت تماس می گرفتیم پاسخگو بود

حجت الاسلام حسینی رییس دادگستری مازندران نیز در سخنان کوتاهی ابراز داشت: همان گونه که مسئولان از زحمات آقای رجبی قدرانی می کنند، باید کمک کنند تا شرایط برای همکاری و همراهی با زارعی هم فراهم شود. وی گفت: رجبی از جمله مسئولانی بود که هر وقت ما تماس می گرفتیم پاسخگو بود و این از نقاط برجسته مدیریت او بود.

در جابجایی ها ما توقعی داشتیم

حجت الاسلام رسولی هم در این مراسم ضمن تشکر از خدمات رجبی اظهار داشت: بیشتر حرف ها را در خطبه های قبل زده ام و آقای استاندار هم از متن خطبه ها با خبرند. وی ادامه داد: رجبی هم انسان مودب و با شخصیتی بود و هم یک مسئول پرتلاش و دلسوز. امام جمعه مازندران گفت: از اینکه ایشان رفته اند گلیا به بسیار زیاد است اما قطعاً تشخیص استاندار و دوستانش بهتر از بنده است چرا که کار اجرایی است. وی با بیان اینکه بنده در این زمینه تخصص کافی ندارم، افزود: در جابجایی ها ما توقعی داشتیم و به ما هم حق بدهید که این توقع منطقی را داشته باشیم. رسولی با تبریک به مردم شریف شهرستان نکا گفت: به زارعی هم تبریک می گویم و به عنوان امام جمعه و از باب وظیفه و تکلیف در کنار دوستان خواهیم بود و از فرماندار هم حمایت خواهیم کرد. امام جمعه مازندران با بیان اینکه در طول این دو سال بنده هیچ بار و در هیچ تریبونی از رجبی انتقاد نکردم، افزود: این هم از باب تکلیف و وظیفه شرعی و هم از این باب است که وی انصافاً تلاش کرده است. وی با اشاره به روزهای آغازین شروع به کار رجبی در فرمانداری مازندران ابراز داشت: رجبی خود بهتر می داند که اگر حمایت های بنده از او نبود معلوم نبود کار به کجا می کشید.

رسولی با تأکید بر اینکه در بیان و رفع مشکلات مردم با هیچ کس تعارفی ندارم افزود: این کار تنها در راستای انجام وظیفه است که منجر به همدلی و هم افزایی در جامعه شده است و تذکرات و انتقادات اصلاً برای مطرح کردن خود نیست. وی ادامه داد: رابطه ما با رجبی بسیار صمیمانه و دوستانه بود، در حالی که در بعضی از زمینه ها، باورها و سلیقه های ما با هم متفاوت بوده است و در برخی مباحث مبنایی هم با

شهروند خوب، شهر خوب می خواهد

کاوه زال نژاد

پژوهشگر و کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری



«و ضرب الله مثلا قریه كانت ءامنه مطمئنه یاتیهها رغدمان کل مکان فکفرت بانعم الله فاذا قها الله لباس الجوع والخوف بما كانوا یصنعون؛ خداوند، داستانی را نقل می کند که شهری امن و آرام بود و روزی و نعمت ها از اطراف برای مردم آن شهر می رسید، آن گاه کفران نعمت های الهی را نمودند، در نتیجه خداوند به خاطر کارهایی که انجام دادند، آنان را به گرسنگی و وحشت و ترس مبتلا ساخت» (نحل، ۱۱۲).

درآمد

در بحث نخست بر خود فرض می دانم به عنوان شهروند نه به عنوان یک شهروند، ذکر چند نکته را این گونه روا دارم؛ شهر یک اثر هنری بزرگ است، اما سال هاست که از این شعار می گذرد و گام مطلوب در جهت نیل به این مهم برداشته نشده است. شهر زیبا به روایت تکنوکرات ها، پدیده ای که بیش از یک سده از عمر آن می گذرد. این مفهوم مولود پلشتی شهرهای دوران اروپایی بوده است، اما زیبایی محمل خود را در هنر مدرن یافت. با همه این بحث ها صرف نظر از آنچه که گفته شد در شهرها، کیفیت در فضای شهری معنای وجودی نداشته و همواره عامل کمیت پیش قراول این بحث بوده است. سایه بدقواگی و آشفتگی چنان بر شهر چالوس سایه افکنده که رهاسدن از آن یک بینش علمی حساب شده و نیروی انسانی به واقع شهروند را طلب می نماید. بهره مندی از دستاوردهای علمی در یک شهر در گروی ناظرین و تصمیم گیرنده های آن شهر است. در دهه های اخیر انتقادات زیادی از سوی اندیشه گرایان شهری درباره کیفیت سیما و منظر شهری چالوس در فصلنامه ها و مجلات معتبر ارایه شده است، از جمله خود بنده در مقاله ای تحت عنوان «چالوس شهری است که مبلمان ندارد» ارایه شده است، که شاید بتوان گفت همگی آنها به نوعی انگاره خوبی را در برداشته است. در واقع شهر چالوس که ما امروزه شاهد آن هستیم لبه تیز انتقادات آن را می توان به سوی متولیان این شهر نشانه گرفت.

داستان شهر زیبا به افول گراییده

امروزه داشتن شهر زیبا، شهر شادی و شهر پر تحرک این امید و این آموزش را به شهروندان می دهد که در حفظ محیط شهری کوشا باشند. ارزش ها و شاخص های زیبا یک شهر، به واسطه ای کارا کتر مبلمان شهری شناخته می شوند. ظهور پدیده ای به نام مبلمان شهری، به نوعی آرامش را به شهر را ارزانی داد. بی شک هنر مبلمان شهری، هنر شکل دادن به شهرهاست، هنری پویا و آرمان گرا اما نامفهوم و بی اساس. رهیافتی که مبلمان شهری در شهرها ایفا می کند، یک رهیافت زیباشناختی است. به طور کلی در یک دیدگاه کلان ما همه روزه شاهد شهرهای عینی هستیم تا ذهنیتی، شهرهای با سیمای زشت و ناهنجار که آشفتگی های بصری را به ارمان می آورند. اما تحلیلی که نگارنده از شهر، به عنوان یک شهروند، نه به عنوان یک روان شناس شهری دارند این است که شهرهای ما را می توان نه شهری زشت نه شهری زیبا، بلکه به عنوان شهری بلا تکلیف نامید. بی شک یکی از دلایل فراهم آوردن این اثر، ساماندهی مبلمان شهری از منظر شهر شهروند گراست. امروزه در شهر چالوس این انگاره را می توان به وضوح مشاهده نمود که حکمروایی خوب شهری و داستان شهر زیبا و زیباشناسی شهری، به افول گراییده. زیبایی، آراستگی، هویت بخشی، چهره آرای، و انسجام بخشی عملاً در شهر چالوس مشاهده نمی شود. هویت، شیفتگی یک انسان، و قلب تپنده شهرهاست، این که چرا بعضی از شهرها هویت ندارند، و بحث هویت بخشی در شهرها فراموش شده، باید در انگاره متولیان شهرها جستجو کرد، علی الخصوص کارشناسان زیباسازی. به نظر می رسد امروزه فضاهای شهری چالوس، رویکردی کاملاً تعریف نشده داشته است. وجود فضاهایی مغشوش روح زیبایی را در شهر از بین برده و عملاً جایگاه شهر را به حقارت کشانده و تبلور زیبایی به انگاره فراموشی سپرده شده است. پر واضح است که امروزه سهل انگاری و بی میلی به بازپیرایی شهر کم کم به عادت تبدیل شده و باور به داشتن شهر زیبا نیز به کاری

کلی نگرش هایی که پیرامون مبلمان شهری حکم فرماست، شاید شاخص ترین مؤلفه برای ظهور و افول شهرسازی شهروندگرا باشد. به هر حال به رغم تاکیدات مکرر در حیطه مبلمان شهری، همواره این سخن قابل بازگویی باشد که: چه کسانی شهر چالوس را می سازند؟ و آیا تناسب فکری بین سازنده شهر و سیمای ظاهری آن رابطه سیستماتیک وجود دارد یا نه؟ به راستی چه کسانی در دخل و تصرف در شهر و تخریب کاربری ها و اجزای مبلمان شهری ایفای نقش می کنند؟ آیا شالوده بنا شده در شهر چالوس در راستای نیازهای عاطفی و بصری شهروندان می باشد؟ بنیان های فکری به ظاهر شهروند ساز برخی از پرسنل شهرداری چالوس تا چه حد فضای نامملوس شهر را به سوی کیفیت محیط هدایت می کند؟

چالوس حالت ایده آل و بسامانی ندارد

در واقع مبلمان شهری پاسخ به سؤالی است که در ذیل این گونه بدان اشاره شده است:

۱- مبلمان شهری در شهر چالوس در چه وضعیتی قرار دارد؟

۲- تحقق یابی مبلمان در زون مرکزی شهر چگونه است؟

۳- تئوری فضای شهری شهر چالوس، چگونه و به دست چه کسانی طراحی، اجرا و مدیریت می شود؟

حال این نوشتار می کوشد، تا تحولات شهری سرسام آور که از برآیند افکار برخی از مسئولان شهری به بار نشسته سامان دهد. بیش از یک دهه است که منظر شهر چالوس حالت ایده آل و بسامانی نداشته است. بدون تردید فضای شهری که امروزه متولیان آن را ساخت و بنا نموده اند، اغلب گیج کننده و نامهربان هستند و همواره افسردگی و ناامیدی را به بار می آورند. امروزه افق های جدیدی که در عرصه هنرهای شهری به وقوع پیوست، پررنگ ترین سنجش را برای ارزیابی شهرها رقم زده است، بنابراین هرگونه اظهار نظر در مسایل شهری بدون هیچ گونه پیشینه و مقدمه ای ممکن است، میل شهروندان را به محیط پیرامون با چالش روبرو سازد. با این پیش زمینه پس می توان این گونه بیان نمود که ابهام زدایی از واژه منظر و مبلمان شهری و خاطره از شهر، به سابقه سکونت شهروند بستگی دارد. هر چقدر شهروند در شهر خاطرات زیبا را در ذهن تداعی کند، یقیناً به پایداری بیشتر مبلمان شهری می انجامد و بحران در مبلمان شهری نهایت نا کار آمدی عملکرد متولیان همان شهر است. با توجه به آنچه در شهر چالوس پیرامون آن به کنکاش در آمده است، می توان این گونه بیان نمود که جایگاه طراحی شهری متاسفانه در شهر چالوس چندان در خور توجه نبوده است. یکی از عمده دلایل آن را می توان ضعف متولیان شهرها دانست. ناتوانی در پاسخگویی به این مهم روح خاطره انگیزی را برای شهروندان به عنوان ابتدایی ترین سوال به وجود آورده که «چرا شهر چالوس زیبا و از طراحی خوبی برخوردار نیست؟» وجود و قوت بخشیدن به فضای سواره در قرن ۲۱ و کم رنگ شدن فضای پیاده به نوعی زشتی و کج دهنی را برای شهروندان چالوسی به ارمان آورده است. فارغ از این بحث که کدام یک از مباحث یاد شده منطقی تر است، دیالکتیکی است نامفهوم. به نظر می رسد امروزه، شیرازه فضای شهری در شهر چالوس به هم ریخته است و عنصر زیبایی و بازپیرایی شهر، به انگاره فراموشی و دست نیافتنی تبدیل شده است، مع الوصف آشفتگی بصری، زشتی و نازیبایی در زون مرکزی شهر نمایانگر شده است. این شهر به عنوان یک شهر گردشگری و توریستی، با پیشینه تاریخی سراسر بالتدگی، نه تنها تعلق خاطر برای گردشگر به وجود نمی آورد، باعث شده است تمام مسافران به شهرهای اطراف سفر کنند. معضل ترافیک، معضل مبلمان شهری، بافت فرسوده، ساختار شکنی و وندالسیم، عدم ساماندهی در بهترین نقطه گردشگری شهر چالوس یعنی محور «رادبو دریا» و سایر مراکز تفریحی، ضعف پیشینه مدیریتی در جذب و به کارگیری شهردار و شورای شهر و پرسنل شهرداری، به هر حال همه و همه دست به دست هم داده تا شهروندان و مسافران احساس رضایت نکنند. علی ایحال امیدواریم با تغییرات مدیریت شهری گام مطلوب در جهت استغنائی بی عدالتی این شهر برداشته شود، تا همواره شهری زنده، شاداب، پویا و آرمانگرا، در راستای توسعه پایدار داشته باشیم.

فرمانظرها را به وجود می آورند. امروزه مفهوم مبلمان شهری در دوران معاصر از رشد فزاینده ای برخوردار بوده است، اما ارتقای کیفی آن همواره با فراز و نشیب هایی همراه بوده است. مبلمان شهری لزوماً همان چیزی است که منزلت اجتماعی و روابط مشخص در چارچوب مدنی برای شهروندان به ارمان می آورد. در واقع، رهاورد مفهوم مبلمان شهری نمایانگر تبیین و تحکیم زیبایی برای شهرهاست. مع هذا، شاید بتوان به نوعی زشتی شهر چالوس را در خود بزرگ بینی متولیان این شهر، قلمداد نمود؛ خود بزرگ بینی که منجر به شکستن غرور شهر شده و روز به روز بر نابسامانی این شهر می افزاید. اصولاً این هنرمند شهروند ساز است که به شهر زینت می بخشد.

دست نیافتنی. با وجود این نقدها، صرف نظر از آنچه که این عادت نازیبایی، منجر به بی میلی شهروندان شده، بلکه باعث آسیب پذیری روحیه شهروندان نیز می شود.

رابطه تنگاتنگ شهر و هنر

آنچه که از برآیند تفکر یک شهروند خوب، انتظار می رود این است شهروند خوب، شهر خوب می خواهد. در بحث پیرامون مفهوم مبلمان شهری، خاطر انگیزی و تعلق خاطر همواره عامل اساسی به شمار می رود. معروف ترین و پسامندترین مؤلفه ای را که بتوان برای زیبایی شهرها به کار برد، واژه مبلمان شهری است. امروزه جایگاه مبلمان شهری، جایگاهی کاملاً فراموش شده است در شهرها. از سوی دیگر

شهرهای ما را می توان نه شهری زشت نه شهری زیبا، بلکه به عنوان شهری بلا تکلیف نامید / امروزه در شهر چالوس این انگاره را می توان به وضوح مشاهده نمود که حکمروایی خوب شهری و داستان شهر زیبا به افول گراییده / ضعف نیروهای متخصص و به کار نرفتن کارشناسان در زمینه مسایل شهری این دهن کجی را القا می کند که ما حاصل این جستار را می توان در به کارگیری نیروی سلیقه ای در شهرداری چالوس دانست

رابطه تنگاتنگ شهر و هنر، رابطه دیرینه ای است که به شهر تجلی و روح خاطر می بخشد. لذا وجود مبلمان شهری مناسب جزء نیاز لاینفک بسیاری از شهرها است.

چه کسانی شهر چالوس را می سازند؟

امروزه مبلمان شهری رابطه تنگاتنگ با شهروندان برقرار می سازد و عادت به داشتن شهر زیبا، نیز صرفاً به یک مکانیزم کالبدی در شهرها تبدیل شده است. شرح و تفسیر مؤلفه هایی چون انسان، فضا، ماشین، همواره نظم ذهنی و آشفتگی بصری شهرها را به دنبال داشته است. انتظام بخشی به این مؤلفه ها در قالب شهر نیکو و پایدار می تواند به تعاملات اجتماعی و حیات مدنی شهرها معنا بخشد. گستره و شتاب بی رویه کلان شهرها، باعث ضعیف شدن فرم شهرها شده است. فهم این مهم که ماهیت یک شهر به فیزیک آن وابسته است، درکی است در چارچوب شهرسازی انسان مدار. امروزه ادراک مبلمان شهری تجربه ای خوشایند و بارزترین نمود عینی زیبایی هاست. به طور

ضعف نیروهای متخصص و به کار نرفتن کارشناسان در زمینه مسایل شهری این دهن کجی و این زشتی را بیننده القا می کند که ما حاصل این جستار را می توان در به کارگیری نیروی سلیقه ای در شهرداری چالوس دانست. نیروهایی با کارکرد منفی و رشته های غیرمرتبط، مشغول فعالیت اند، که عمدتاً از طریق متولیان این شهر سلواری می شوند. رهیافتی که این اثر به دنبال دارد و دغدغه اصلی این کنکاش ساماندهی منظر، مبلمان، سیما و برندینگ شهر چالوس، در راستای توسعه پایدار است. نگارنده بر این باور است، فرآیندهایی که همواره به وجود آورنده طراحی منظر مناسب بوده، نیروی کار ارزشی است که برخوردار از رشته های تحصیلی «شهرسازی، جغرافیا و برنامه ریزی شهری، طراحی شهری، مدیریت شهری - نه رشته های چون عمران، نقشه برداری و کشاورزی و غیره» است. مسلماً وجود این نیروها جوابگوی نیازهای یک شهر از بعد نوشهرگرایی نمی باشد. آشنایی با طراحی محیط و منظر، در آمدی است بر شهروندی مسلط، که همواره چشم اندازهای شهری را به خاطر آورده و

گوشت حیوانات زیاده روی می‌کنند، آسیب می‌رسانند. هر چه این گونه اقدامات عجیب و غریب‌تر باشند، افزایش آمادگی مدیران برای رویارویی با بحرانهای ناشی از آنها، ضرورت بیشتر دارد.

مدیریت بحران

بر اساس نظرات «پیرسون» و «کلایر»، مدیریت بحران عبارت است از، تلاش نظام یافته توسط اعضای سازمان همراه با ذی نفعان خارج از سازمان، در جهت پیشگیری از بحرانها و یا مدیریت اثربخش آن در زمان وقوع. عده‌ای می‌گویند مدیریت بحران از سه مرحله اصلی تشکیل شده است که عبارت است از مدیریت بحران قبل، حین و بعد از وقوع بحران. قبل از وقوع بحران باید سه فعالیت کلیدی صورت گیرد: تشکیل تیم مدیریت بحران در سازمان، ایجاد یک سناریوی که بدترین حالت ممکن را نشان دهد، و تعریف رویه‌ای اجرایی استاندارد برای انجام فعالیتهایی قبل از وقوع بحران. در زمان وقوع بحران سه

فعالیت اصلی باید انجام شود: تمرکز بر اشاعه اخبار و اطلاعاتی که مورد تمایل عموم باشد، مشخص کردن یک نفر به عنوان سخنگوی سازمان، و ارسال پیامها و گزارشها به صورت حرفه‌ای در رسانه‌ها. بعد از وقوع بحران دو فعالیت اصلی باید صورت گیرد: شناسایی عوامل ایجاد کننده بحران برای استفاده‌های آینده و برقراری ارتباط با ذی نفعان برای آگاه سازی آنها از نتایج و اثرات بحران. مدیریت بحران فرایندی است برای پیشگیری از بحران و یا به حداقل رساندن اثرات آن به هنگام وقوع برای انجام این فرایند باید بدترین وضعیتها را برنامه‌ریزی و سپس روشهایی را برای اداره و حل آن جستجو کرد. اگر مدیریت بحران را برنامه‌ریزی برای کنترل بحران تعریف کنیم در آن صورت چهار مرحله را برای برنامه‌ریزی برای کنترل بحران باید به انجام رساند. نخست باید پدیده‌های ناگوار پیش بینی شوند، سپس باید برنامه‌های اقتضایی تنظیم گردند، پس از آن باید تیم‌های مدیریت بحران تشکیل و آموزش داده شوند و سازماندهی گردند و سرانجام باید برای تکمیل برنامه‌ها، آنها را به صورت آزمایشی و با تمرین عملی به اجرا در آورد.

الف پیش بینی بحران و بررسی نقاط بحران خیز و آسیب پذیر: در میزبانی بحران از روشهای منظمی برای یافتن نقاط بحران خیز و آسیب پذیر استفاده می‌شود. هنگامی که مدیران یک سلسله از پرسشهایی نظیر «چه خواهد شد، اگر چنان شود؟» و «اگر چنین شود، چه پیش خواهد آمد؟» را مطرح می‌کنند، سناریوهای «حوادث ناگوار» موضوع بحث قرار می‌گیرند. در این مرحله، ممکن است استفاده از «طبقه بندی بحرانها» مفید و شمرتر باشد. وقوع برخی از بحرانها نظیر مرگ ناگهانی یکی از مدیران کلیدی، برای همه سازمانها محتمل است؛ از این رو به راحتی قابل تصور است؛ ولی باید توجه داشت که هر سازمان، با توجه به ویژگیهای خاص خود، ضربه پذیری‌های خاص خود دارد و باید برای مقابله با آنها برنامه‌ریزی کند؛ برای مثال سقوط هواپیما یک بحران مصیبت بار و قابل تصور برای شرکتهای هواپیمایی مسافربری است.

ب تهیه برنامه اقتضایی برای مواجهه با بحران: برنامه‌های اقتضایی برای مواجهه با بحرانهای احتمالی، در قالب یک مجموعه برنامه پشتیبانی تنظیم می‌گردند تا در صورت بروز مشکل، مورد استفاده قرار گیرد.

برنامه‌های اقتضایی باید به گونه‌ای تنظیم شوند تا حتی المقدور؛ کلیه علائم هشدار دهنده حوادث و سوانح را مشخص کنند، اقداماتی برای خنثی سازی یا تعدیل وضعیت بحرانی طراحی، و نتایج مورد انتظار از هر اقدام را پیش بینی کنند.

شرح کامل این مقاله در پایگاه خبری تحلیلی مازندنومه به نشانی mazandnume.com آمده است



چگونه بحران را مدیریت کنیم؟

دکتر جابر رجیبی علی مانی، مدرس دانشگاه آزاد قائم شهر

علامت هشدار دهنده قبلی نیستند و سازمانها نیز قادر به تحقیق در مورد آنها و نیز برنامه‌ریزی برای دفع آنها نیستند.

۲ بحرانهایی که به صورت تدریجی ظاهر می‌شوند: این بحرانها به آهستگی ایجاد می‌شوند. می‌توان آنها را متوقف کرد و یا از طریق اقدامات سازمانی آنها را محدود ساخت.

۳ بحرانهای ادامه دار: این بحرانها هفته‌ها، ماهها و یا حتی سالها به طول می‌انجامند. استراتژی‌های مواجهه شدن با این بحرانها در موقعیتهای متفاوت بستگی دارد به فشارهای زمانی، گستردگی کنترل و میزان عظیم بودن این وقایع. می‌توان از سه معیار سطح تهدید، فشار زمانی، و شدت وقایع، در طبقه بندی و شناسایی بحرانها استفاده کرد و می‌توان از این طریق به مدیران نشان داد که چه زمانی یک پدیده و یا یک مشکل می‌تواند تبدیل به یک بحران شود. «پورت» با استفاده از این سه معیار و نیز معیار تعداد گزینه‌های واکنش یا پاسخگویی، ماتریسی را برای طبقه بندی بحرانها پیشنهاد کرده که در آن ۱۶ خانه وجود دارد. سطح تهدید در دو سطح بالا و پایین، تعداد گزینه‌های واکنشی در دو طبقه کم و زیاد، فشار زمانی در دو حد کم و شدید، و درجه کنترل در دو سطح بالا و پایین در نظر گرفته شده اند. پدیده‌ها در این ۱۶ خانه به چهار سطح دسته بندی شده‌اند. سطح یک زمانی است که سطح تهدید پایین، تعداد گزینه‌های واکنشی زیاد، فشار زمانی کم و درجه کنترل بالا است. سطح چهار زمانی است که سطح تهدیدها بالا، تعداد گزینه‌های واکنشی کم، یا زیاد، فشار زمانی شدید و درجه کنترل پایین یا بالا باشد. «پورت» می‌گوید هر چه سطح پدیده یا مشکل از سطح یک به سطح چهار نزدیک شود احتمال تبدیل آن مشکل یا پدیده به یک بحران بیشتر می‌شود.

ج) طبقه بندی بحرانها از دیدگاه «میترا»: وی برای طبقه بندی بحرانها از دو طیف استفاده می‌کند. یک طیف داخلی یا خارجی بودن بحرانها را مشخص می‌کند. اینکه بحران در داخل سازمان به وقوع می‌پیوندد یا در خارج از سازمان. طیف دیگر فنی یا اجتماعی بودن بحرانها را نشان می‌دهد.

همان طور که در نمودار شماره ۱ ملاحظه می‌شود محور افقی نمودار بحرانهای داخلی و خارجی را از هم متمایز می‌سازد و محور عمودی، بحرانها را از حیث ماهیت فنی یا اقتصادی بودن در مقابل اجتماعی یا سازمانی بودن تفکیک می‌کند؛ به این ترتیب، می‌توان چهار وضعیت کلی را متمایز ساخت. در نمودار مذکور، برای هر وضعیت کلی، نمونه‌هایی از بحرانهای شناخته شده، مشخص شده‌اند. برای مثال، بحران ناشی از «تعمیم نمادین» (در وضعیت ۴)، حاکی از شرایطی است که «موقعیت یک سازمان» فقط به خاطر آنکه نام آن، تداعی منفی می‌کند، به خطر می‌افتد، برای مثال کسانی که به طور افراطی طرفدار حقوق حیوانات هستند، به آن دسته از تولیدکنندگان مواد غذایی که در استفاده از

می‌کنند که یک بحران می‌تواند شبیه به مکانیسمی باشد که مراحل تولد، رشد، بلوغ و افول یا مرگ را طی می‌کند. در زبان چینی واژه «ویجی» (WEIJI) معادل واژه بحران است که معنای خطر و فرصت را می‌دهد. این لغت اساس و شالوده مدیریت بحران را آشکار می‌کند یعنی: وقتی اداره کردن به درستی صورت گیرد یک خطر به عنوان یک بحران می‌تواند یا پیشگیری شود یا اثرات آن کاهش می‌یابد و یا حتی تبدیل به یک فرصت شود. اغلب هر بحران دانه‌هایی از موفقیت را در خود دارد، همان طور که ریشه‌های شکست را نیز می‌تواند در خود داشته باشد. در تعریف بحران سازمانی بهتر است بین بحران (CRISIS) و واقعه ناگوار (DISASTER) تفاوت قائل شد. «پرت» بین این دو تفاوت قائل شده و می‌گوید: بحران توصیف کننده شرایطی است که در آن ریشه‌های پدیده می‌تواند مسائل و مشکلاتی مانند ساختارها و عملیاتیهای مدیریتی نامناسب و یا شکست در تطابق با یک تغییر باشد در حالی که منظور از واقعه ناگوار این است که شرکت با تغییرات مصیبت بار پیش بینی نشده یا ناگهانی مواجه شده که کنترل کمی بر روی آنها دارد.

انواع بحران

برای اینکه بتوان بحرانها را شناسایی و تفکیک کرد بهتر است که آنها را دسته بندی کرده و مبناهایی را برای تفکیک آنها در نظر گرفت.

الف) طبقه بندی بحرانها از لحاظ ناگهانی بودن یا تدریجی بودن آنها: بعضی از بحرانها به صورت ناگهانی و یک دفعه به وجود می‌آیند و اثرات ناگهانی بر محیط درونی و بیرونی سازمان می‌گذارند. به این بحرانها، بحرانهای ناگهانی (ABRUPT CRISES) می‌گویند. در مقابل این بحرانها، بحرانهای تدریجی (CUMULATIVE CRISES) وجود دارند که از یکسری مسائل بحران خیز شروع می‌شوند و در طول زمان تقویت شده و تا یک سطح آستانه ادامه و سپس بروز پیدا می‌کنند. برای مقایسه بحرانهای ناگهانی و تدریجی می‌توان از شش ویژگی کلیدی استفاده کرد. بحرانهای ناگهانی با سرعت به وجود می‌آیند، قابلیت پیش بینی کمی دارند، صراحت و روشنی آنها متمرکز است، آشکارند، از یک رویداد مشخص یک دفعه‌ای شروع می‌شوند، در یک زمان ثابت به وقوع می‌پیوندند، و از عدم انطباق سازمان با یک جنبه یا تعداد کمی از جنبه‌های محیطی حاصل می‌شوند. در مقایسه، بحرانهای تدریجی، به صورت تدریجی و تجمعی به وجود می‌آیند، قابلیت پیش بینی زیادی دارند، واضح و روشن نیستند، نقطه شروع آنها از یک سطح آستانه است، با گذشت زمان احتمال وقوع آنها بیشتر می‌شود و از عدم انطباق سازمان با چندین جنبه از محیط به وجود می‌آیند.

ب) طبقه بندی بحران از دیدگاه «پارسونز»: پارسونز سه نوع بحران را بیان می‌کند که عبارتند از: ۱. بحرانهای فوری: این بحرانها دارای هیچگونه

موضوع مدیریت بحران در حوزه‌های مختلف مطرح است. سازمانها به عنوان یکی از اجزای اصلی جامعه امروزی نیز از این امر مستثنی نیستند. مقاله حاضر به بررسی انواع بحران در حوزه سازمان می‌پردازد. مدیران پیشرو تلاش می‌کنند تا با استفاده از یافته‌های مدیریت بحران سازمانی و تلفیق آن با دستاوردهای مدیریت استراتژیک و مدیریت سیستم‌های کنترل، از امواج خطرناک پیش بینی نشده، اجتناب کنند. مقاله در ابتدا تعریف بحران سازمانی را مطرح می‌سازد، سپس با بیان انواع طبقه بندی بحرانها، تعریف مدیریت بحران و ضرورت آن، بحث را به طرف مدل‌های مدیریت بحران و نهایتاً یک چارچوب استراتژیک برای آن سوق می‌دهد و نتیجه گیری می‌کند.

مقدمه

نگرش سنتی به مدیریت بحران، براین باور بود که مدیریت بحران یعنی فرو نشاندن آتش؛ به این معنی که مدیران بحران در انتظار خراب شدن امور می‌نشینند و پس از بروز ویرانی، سعی می‌کنند تا ضرر ناشی از خرابی‌ها را محدود سازند، ولی به تازگی نگرش به این واژه عوض شده است.

بر اساس معنای اخیر، همواره باید مجموعه‌ای از طرحها و برنامه‌های عملی برای مواجهه با تحولات احتمالی آینده در داخل سازمانها تنظیم شود و مدیران باید درباره اتفاقات احتمالی آینده بیندیشند و آمادگی رویارویی با وقایع پیش بینی نشده را کسب کنند؛ بنابراین، مدیریت بحران بر ضرورت پیش بینی منظم و کسب آمادگی برای رویارویی با آن دسته از مسائل داخلی و خارجی تاکید دارد که به طور جدی شهرت، سودآوری و یا حیات سازمان را تهدید می‌کنند. باید توجه داشت که مدیریت بحران با مدیریت روابط عمومی متفاوت است. مدیر روابط عمومی برای خوب جلوه دادن سازمان تلاش می‌کند در حالی که مدیر بحران سعی دارد تا در شرایط دشوار، سازمان را در موقعیت خوب نگه دارد. مدیریت بحران به منزله یک رشته علمی، به طور کلی در حوزه مدیریت استراتژیک قرار می‌گیرد و به طور خاص به مباحث کنترل استراتژیک مرتبط می‌شود.

تعریف بحران سازمانی

مفهوم بحران می‌تواند به معنای انحراف از وضعیت تعادل عمومی رابطه سازمان با محیط یا تعریفی از خصوصیت محیطی باشد که سازمان مجبور است به صورت مستمر از آن آگاهی داشته باشد. در هر یک از این دو نگرش، انجام مسائل بحران در یک دیدگاه مدیریت استراتژیک به بهترین وجه قابل درک است. «لاری اسمیت» رئیس مؤسسه بحران واژه بحران را به این صورت تعریف می‌کند: یک اغتشاش عمده در سازمان که دارای پوشش خبری گسترده‌ای شده و کنجکاوی مردم درباره این موضوع بر فعالیتهای عادی سازمان اثر می‌گذارد و می‌تواند اثر سیاسی، قانونی، مالی و دولتی بر سازمان بگذارد. یک بحران سازمانی فقط یک فاجعه مانند یک رکود اقتصادی، سقوط یک هواپیما و یا محدود کردن شرکتهایی نیست که باعث تلفات عظیم و یا خسارات شدید محیطی می‌شوند بلکه می‌تواند دارای شکلهای متنوعی مانند بدنام شدن محصول، مخدوش شدن خدمات پشتیبانی کننده، تحریم کردن محصولات، اعتصاب، شایعات هسته‌ای جنجال آمیز، دزدیده شدن، رشوه‌دهی و رشوه خوری، درگیری خصومت آمیز، بلایای طبیعی در جهت انهدام محصولات، خراب شدن سیستم اطلاعات سازمانی و یا سیستم اطلاعات شرکتهای مادر است. یک بحران سازمانی پدیده‌ای با احتمال وقوع کم و تاثیرگذاری زیاد است که قابلیت اجرایی سازمان را تهدید می‌کند و از مشخصه آن مبهم بودن عامل، مبهم بودن تاثیرات و وسایل حل آن است و تصمیمات مربوط به آن باید به سرعت اتخاذ شود. به هر جهت، بحرانها به صورت ناگهانی بروز نمی‌کنند و اغلب آنها علائم هشدار دهنده‌ای دارند که مشکلات و معضلات بالقوه‌ای را نشان می‌دهند. بحران شباهت جالبی با یک مدل زیست شناختی دارد، گون زالز هیرو و پرات (۱۹۹۶) پیشنهاد

پادزهر قرص برنج دست من است



مرادعلی نعمتی
عکاس و خبرنگار

دوستی می گفت سفری به چین داشتم، چشمم کمتر به داروخانه ای برخورد کرد که داروهای شیمیایی ارایه کند، هرچه می دید داروهای شفافبخش و گیاهی بود. می گفتند: داروهای شیمیایی اگر عضوی را تسکین دهد یا درمان کند، اعضای دیگری را از پا در می آورد. ما در کشوری زندگی می کنیم که حضرت حق هزاران نوع گیاهان دارویی برای آرامش ما خلق کرده است. حکیمانی داریم هم چون بوعلی سینا و زکریای رازی و... اما بعضی از افراد فقط به فکر منافع شخصی شان هستند و وقتی نام گیاهان دارویی برده می شود، انگار قلب شان از کارکردن می ایستد! انگار یادشان رفته که ما چگونه در گذشته با غذاهای محلی و داروهای

گیاهی درمان می شدیم. از ارزش و منزلت کاسنی، شوید، گل گاوزبان، دارچین، آختی و... چه می توان گفت که آنان هدیه و معجزه الهی برای ما هستند. یکی از آسیب های امروز خانواده ها استفاده از قرصی برای ننگه داشتن برنج است که اگر یک پنجم آن را یک انسان بالغ بخورد، او را از پای در آورد. شنیدیم که در مازندران پزشکی آستین همت را بالا زده و با گیاهان دارویی انسان را از بیماری و مرگ نجات می دهد. البته بعضی ها با لجبازی با او مخالفت می کنند ولی این پزشک ظرف مدت کوتاهی توانست تعداد قابل توجهی از بیماران را با این روش بهبود ببخشد. شنیدم که فرماندار آمل دخالت کرد و دستور داد تا بیماری را نزد این پزشک ببرند و همین شد که آن بیمار از مرگ حتمی نجات یافت. با این پزشک آملی گفت و گو کردم.



همراه با خلط سبز رنگ و اختلال در حرکت و صحبت کردن می شود. تشنج، کما و مرگ از ۴ روز حداکثر ۲ هفته با نارسایی قلبی و ریوی حادث می شود. متأسفانه احتمال مرگ در اثر مصرف از این سم بسیار بالاست و همانند سیانور عمل می کند و مقدار دوز کشنده بودن بر اساس تجربه ۱۲ ساله اینجانب در اورژانس بیمارستان که حداقل ماهی ۳ مورد را شاهد بودم یک چهارم تا یک پنجم هم باعث مرگ فرد می شود. تاکنون هیچ پادزهر و درمان اصلی برای آن کشف نشده بود و همیشه ذهن بنده با این مسئله سخت درگیر بود که

باید راه هایی برای این نوع مسمومین یافت شود که بالاخره این معضل قرن پزشکی با همکاری مسئولان وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی حل شد. ما از حجامت الگو گرفته و بیماران را که با متادون و ترامادول دچار مسمومیت کشنده می شوند، بعد از دسته بندی کردن، حجامت می کنیم و با معجون و محلول های گیاهی و سنتی، در کنار اقدامات درمانی مدرن به صورت مکمل درمان می کنیم که موفق شدیم جان دو بیمار بستری در بخش مسمومیت بیمارستان امام رضا (ع) را نجات دهیم که این قضیه در طول فعالیت در اورژانس بی نظیر بوده و جالب تر از همه اینکه بیمار بعد از ۷۲ ساعت کاملاً حال عمومی اش عادی شد، بدون اینکه هیچ عوارضی خاص بر سایر اعضا بگذارد.

تعریف شما از طب سنتی و طب مدرن چیست؟ آیا حد و مرزی بین این دو طب وجود دارد؟
پزشکی امروز حاصل تجربه و تکامل انسانها در قرون متمادی است. ما در درمان با دو مقوله روبرو هستیم: یکی مقوله طب رایج و نوین و مقوله دیگر

لطفا خودتان را به طور کامل معرفی کنید؟
دکتر کریم فلاح آملی هستم، پزشک عمومی فارغ التحصیل دانشگاه علوم پزشکی مازندران. قبل از هر سخنی بر خود فرض می دانم از استاد ارجمند و پدر طب سنتی ایران - ابوعلی سینای عصرمان - جناب دکتر خیراندیش که به واقع احیاکننده طب سنتی و اسلامی در ایران بودند و همچنین جناب دکتر غلامرضا کرد افشار از استادان دانشکده طب سنتی دانشگاه تهران قدردانی کنم. من از همان دوران کودکی آرزوی قلبی ام این بود که کار مفیدی برای مردم شهر و استان و کشورم انجام دهم که به شکرانه حق این لیاقت نصیبم شد.

شنیده ایم شما با تحقیق و پژوهش توانسته اید مقابل مسمومیت قرص برنج دارویی تجویز کنید که پادزهر آن است.

قرص برنج یا فسفید آمونیوم یا فسفید کلسیم یا فسفید روی است که یک قرص ۳ گرمی است و بوی سیر یا ماهی گندیده می دهد. این قرص ترکیب خطرناکی از فسفیدهاست که به عنوان یک حشره کش برای جلوگیری از آلودگی و آفت زدگی برنج انبار شده و غلات و خوراک دام استفاده می شود. ماده سمی به راحتی جذب گوارش شده و بعد از حل شدن در مایعات بدن و رطوبات معده باعث تولید گاز خطرناک فسفین می شود. فسفین سلولهای شریان های کوچک انتهایی خصوصاً بافت قلب و ریه را بیش از هر نقطه دیگری تحت تاثیر قرار می دهد و تخریب این سلول ها باعث نشست مایع به فضای خارج عروق می شود و این فرایند باعث ضربان نامنظم و آریتمی قلبی می شود.

از اثرات مسمومیت با قرص برنج بفرمایید؟

سم قرص برنج سمی است که بر روی سلولهای بدن تاثیر بدی می گذارد و تنفس سلولی را از بین می برد و باعث آسیب جدی به اعضا و ارگان های حساس بدن مانند قلب و کلیه ها می شود. مرگ با قرص برنج مرگ بسیار دردناکی است و فرد عطش شدیدی به آب دارد. در این مرگ تازمانی که فرد زنده است هوشیار و بیدار بوده و سوزش شدیدی در بدن خود احساس می کند. بر اساس علامت های بالینی فرد دچار خستگی و کمبود اکسیژن می شود، به طوری که بدنش رو به کبودی رفته و دچار خفگی سلولی خواهد شد. این روند غیر قابل برگشت است و مسمومیت با قرص برنج برابر با مرگ است. در مسمومیت با سایر قرص ها ۹۹ درصد بیماران زنده می مانند، ولی در مسمومیت با قرص برنج ۹۹ درصد بیماران جان خود را از دست می دهند.

چه زمان لازم است تا قرص، بیمار را از پا در آورد؟
در مورد زمان مسمومیت و مرگ بر اثر مصرف این قرص معمولاً افراد زیر ۲۴ ساعت فوت می کنند که زمان بستگی به ایرانی یا خارجی بودن قرص، تاریخ تولید قرص، مقاومت بدن فرد به این ماده و مقدار مصرف آن دارد.

علامت مصرف قرص چطور بروز می کند؟

تهوع، درد شکم، عطش شدید، اسهال، تنگی نفس، احساس سرما، سردرد و نهایتاً افت فشار خون جزء علائمی هستند که یک ساعت بعد از مصرف سم بروز می کند و همچنین گیجی و خستگی، سرفه

یادداشت کوتاه



میکروبی
به نام شیر

اعظم کردان
خبرنگار مازندنومه

به دلیل اهمیت غذایی شیر، fao (سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد) اول ماه ژوئن هر سال را روز جهانی شیر نامیده است و برخی از صاحب نظران نیز از آن به عنوان سلطان نوشیدنی ها یاد می کنند. با وجود تمامی خواص این ماده غذایی مسئله میزان بارمیکروبی در شیرهای استحصالی همچنان یکی از دغدغه های کارشناسان و متخصصان امر سلامت است. تقریباً هم بخش دولتی و هم بخش کارشناسی و خصوصی اعتقاد دارند که بار میکروبی شیر در ایران بالاست.

ارتقای ایمنی شیر وجود ندارد

در استاندارد جهانی، شیر درجه یک به شیری گفته می شود که بار میکروبی آن زیر صد هزار میکروب در هر میلی لیتر شیر باشد. شیر درجه دو، شیری است که بار میکروبی آن بین صد هزار تا پانصد هزار میکروب در هر میلی لیتر باشد. شیر درجه سه، شیری است که بار میکروبی آن بین پانصد هزار تا یک میلیون میکروب در هر میلی لیتر شیر باشد و بر اساس قانون سلامت، دامداران باید از تحویل شیری که بیشتر از یک میلیون بار میکروبی داشته باشد، خود داری کنند. به گفته معاون غذا و داروی دانشگاه علوم پزشکی مازندران، بار میکروبی شیر بر روی سکوها جمع آوری ۹۶ میلیون و ۳۰۰ هزار در هر سی سی، واحدهای دامداری ۴۴ میلیون و کارخانجات لبنی ۴۶ میلیون و ۵۰۰ هزار در هر لیتر مشاهده شده است. بر اساس آمارهای اعلام شده از سوی این معاونت می توان نتیجه گرفت شیرهای صالحی فر با اشاره به اینکه اگر بار میکروبی شیر در هر میلی لیتر بیش از یک میلیون باشد آن شیر قابل استفاده نیست، تصریح کرد: در حال حاضر ارتقای ایمنی شیر مشاهده نمی شود. وی ادامه داد: نتیجه شمارش میکروارگانیسم های شیر در سال ۹۰ نسبت به سال ۸۹ بیشتر بوده است. وی خواستار اخذ تدابیر ویژه از سوی جهادکشاورزی در کشتارگاه ها، سکوها جمع آوری شیر و کارخانه های لبنی در کاهش بارمیکروبی شیر شد.

شیر های آلوده امحا نمی شود

رییس سازمان جهادکشاورزی مازندران نیز کمبود صنایع غذایی و نوسانات شدید قیمت بازار، ناکارایی سیاست های حمایتی، نامناسب بودن ساختمان ها و تاسیسات پرورش دام و بالا بودن بارمیکروبی در هنگام تحویل شیر به صنایع لبنی را مهمترین چالش ها و وتنگناهای بخش تولید شیر می داند. عظیمی با تاکید بر اینکه آلودگی شیر از زمان تولید (دوشش) تا انتقال به صنایع لبنی به ویژه در ظروف حمل شیر صورت می گیرد، افزود: استفاده از زنجیره سرد و کاهش فاصله زمانی از دوشش تا تحویل و رعایت اصول بهداشتی، سه اصل مهم در کیفیت این محصول است. وی با بیان اینکه در حال حاضر شیرهای آلوده بازار مشتری های فراوانی ادامه داد: با وجود اینکه شیرهای آلوده باید از بین بروند ولی متولیان آن از این کار خودداری می کنند و آن را با شیرهای سالم مخلوط کرده و به مصرف کننده می رسانند. عظیمی بیان داشت: در حال حاضر بازار شیرهای آلوده گرم است. هر چند گفته می شود شیرهای خشک نیز در این میان از دست سودجویان در امان نبوده و بازارهای خاص خود را دارد و با روش هایی از جمله مخلوط کردن با آب در فرآوردهای لبنی به کار گرفته می شود، مسئولان باید برای برون رفت از این معضل راهکارهای اساسی از جمله ارتقای آموزش و آگاهی به متصدیان شیر و افزایش نظارت مسولان دام پزشکی و بهداشت را در نظر بگیرند.

طب سنتی یا مکمل و این به این معنی تقسیم بندی طب به دو بخش مدرن و سنتی نیست. طب رایج که در حال حاضر مورد استفاده است یک شبهه به وجود نیامد. در حقیقت طب رایج مرهون هزاران سال تجربه و علم آموزی بشر است. در طول سال های اخیر طب مدرن با گذشت زمان بهتر و علمی تر شده است. پس تمام مباحث مطرح در طب سنتی همانند گردش خون، آناتومی، فیزیولوژی و دارو شناسی نیز در طب رایج نهفته است و آنها جدا از هم نیستند و باید بپذیریم که طب رایج همان طب سنتی است. بنابراین می توان ادعا کرد که هیچ مرزی بین طب رایج و سنتی وجود ندارد. طب قدیم به مرور علمی و به روز شده و با تکیه بر شواهد سلولی، مولکولی از حالت کل نگر خارج شده است. امروز دنیای پزشکی را به دو بخش طب رایج و طب مکمل تقسیم می کنند. طب رایج در داروهای شیمیایی خلاصه می شود و طب جایگزین یا مکمل شامل طب سنتی، طب سوزنی و دیگر رشته هاست. البته طب سنتی هم می تواند

مصرف بدون تجویز دارو توسط پزشک چه عوارضی دارد؟

اگر طب مکمل به درستی استفاده نشود و راهکارهای درمانی توسط پزشک متخصص تجویز نشده باشد می تواند عوارضی را به همراه داشته باشد. ممکن است داروهای گیاهی یا داروهای شیمیایی تداخل داشته باشد. بنابراین تصور که طب سنتی صد درصد بدون عارضه باشد. کاملاً غلط است. نکته مهم این است که طب سنتی یا مکمل باید در جای خودش و توسط پزشک متخصص به درستی استفاده شود تا عارضه ای در پی نداشته باشد.

مجوز طبابت در زمینه طب مکمل از کدام ارگان صادر می شود؟

فردی که در زمینه طب مکمل طبابت می کند باید از وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی مجوز فعالیت داشته باشد. مردم نیز باید به افرادی مراجعه کنند که یک مرجع علمی مانند دانشگاه علوم پزشکی یا وزارت بهداشت آن را تایید کرده باشد.

طب سنتی در ایران در چه مرحله ای است؟

در سال های اخیر طب سنتی در ایران به پیشرفت های مهمی در این زمینه دست یافته است. طب سنتی در ایران از پتانسیل های بسیار خوبی برخوردار است و می تواند جهانی شود و طی این سالها اقدامات بیشتر در این زمینه انجام شده است.



همسرش به کمک اهالی منطقه از ماشین به بیرون کشیده و با آمبولانس به مرکز درمانی فرستاده شد. از این دست وقایع هر هفته چندین موردش را در این جاده تجربه می کنیم، حتی گاهی وقت ها بومی ها هم به دلیل اشتباه ماشین های سنگین عبوری به اطراف جاده ها کشانده شده و خسارات جدی می بینند. بارها معاون سیاسی امنیتی استاندار مازندران از این جاده به جاده مرگ یاد کردند و قول هایی دادند که... این وعده ها در حالیهست که برخی از پروژه ها به لطف برخی از مدیران و مسوولان استان در مدت زمانی کمتر از ۶ ماه به اعتباراتی هنگفت به بهره برداری رسید! از باشگاه نیمه کاره روستای ولوجا هم بگویم که جناب رجبی قول اتمام این پروژه را تا بهمن سال ۹۰ داده بود اما بهمن ۹۱ هم در راه است و هنوز تا بهره برداری این پروژه ورزشی فاصله هاست به درازای صبوری مسوولان! عده ای از جوانان و نوجوانان این روستا با دلخوری از بی توجهی مسوولان به خیل عظیم جمعیت جوان این روستا می گویند: همیشه برای ورزش کردن و برگزاری مسابقات ورزشی به روستاهای اطراف می رویم که علاوه بر جو روانی موجود توسط جوانان روستاهای میزبان و نیز مخاطرات جاده ای و عبور ماشین های سنگین در حقیقت با جان مان بازی می کنیم و این موضوع با اصل ورزش کردن که شادابی است در تعارض است! سیل های پیاپی دارابکلا را هم یادمان هست که اهالی این روستا فقط در سیل اخیر بیش از یک میلیارد تومان خسارت دیدند اما در جلسات متعدد فقط وعده شنیدند و از عمل خبری نبود، بیچاره مردمان زحمتکش این منطقه که هنوز با یادآوری حادثه تلخ سیل سال های ۷۸ و ۸۷ و از دست دادن ۳ نفر از عزیزان شان هیچ گاه از وقوع سیل خانمان برانداز خواب راحت ندارند و حتی با تاسیس شهرستان شدن مازندران و تا کنون این پروژه با خرده کاری به اینجا رسیده است! جاده گهر باران جاده مرگ است، هفته ای نیست که در این جاده تلفات نداشته باشیم، اختلاف سطح جاده با شانه خاکی به حدی است که بی تردید رانندگان ناآشنا به مسیر با کوچکترین انحرافی دچار خسارات شدیدی می شوند. همین هفته گذشته بود که راننده تریلی به همراه همسرش در سبقت ماند و از مسیر منحرف شد، صحنه تصادف بسیار دلخراش بود، راننده اهل یکی از استانهای غربی کشور بود وقتی از خودرو واژگون شده اش به سختی خارج شد با دیدن صورت خونین و دستان له شده همسرش دچار شوک شد،



و فراهم شدن تسهیلات و امکانات رفاهی بوده نه اضافه شدن نیروی عظیم انسانی در قالب فرمانداری، شهرداری و بخشداری و... به بدنه دولت! البته اولین فرماندار کارهایی هم انجام داد، لیکن بسیاری از پروژه ها نیمه کاره رها شد! پروژه هایی که جناب فرماندار مدت ها پیش قولش راده بود مانند اتمام پروژه چهارپانده کردن محور گهر باران، احداث زیر گذری بر روی رودخانه سورک، ساخت میدانی در نقطه اصلی سه راهی اسلام آباد و پل عابر پیاده در این نقطه... که هنوز اندر خم یک کوچه است! در مصاحبه ای با رییس اداره نظارت بر راه های اصلی و فرعی اداره کل راه و ترابری مازندران، وی قول اتمام پروژه چهارپانده کردن محور گهر باران تا سال ۸۹ را داده بود، البته ۶ ماه بعد که مصاحبه ای با مدیر کل راه و ترابری وقت داشتیم وی مشکل کمبود اعتبار را بهانه کرد و گفت: این پروژه از منظر معاونت برنامه ریزی استاندار در اولویت قرار ندارد و تا کنون این پروژه با خرده کاری به اینجا رسیده است! جاده گهر باران جاده مرگ است، هفته ای نیست که در این جاده تلفات نداشته باشیم، اختلاف سطح جاده با شانه خاکی به حدی است که بی تردید رانندگان ناآشنا به مسیر با کوچکترین انحرافی دچار خسارات شدیدی می شوند. همین هفته گذشته بود که راننده تریلی به همراه همسرش در سبقت ماند و از مسیر منحرف شد، صحنه تصادف بسیار دلخراش بود، راننده اهل یکی از استانهای غربی کشور بود وقتی از خودرو واژگون شده اش به سختی خارج شد با دیدن صورت خونین و دستان له شده همسرش دچار شوک شد،



ربابه حسین پور
خبرنگار مازندنومه

در سال آخر دولت دهم قرار داریم، سالی که معمولاً در هر دوره ای اکثر مسوولان با چراغ خاموش حرکت می کنند تا بتوانند جایگاه و موقعیت خود را در دولت آتی تثبیت کنند، اگر دولت موافق بر سر کار آمد خوش به حال مسوولان وقت و اگر هم مخالف آمد حداقل با این رویه می توانند جایی را گوشه و کنار برای خود دست و پا کنند! البته اینها حرف های سیاسیون است و برای منی که خیلی از سیاست سر در نمی آورم، توفیری ندارد که چه کسی با چه ترفند و سیاستی بر سر کار می آید، کفایت مسوولی سر کار باشد که کارهای بر زمین مانده را به پایان برد و باری از دوش مردم بردارد نه اینکه نردبانی بسازد برای مقاصدش! مدتی است جابه جایی سه ضلع مثلث فرماندار مازندران، نکا و مدیر کل امور روستایی استاندار در رسانه ها استان برجسته شده و این سوال را در روزهای پایانی دولت در ذهن مان متبادر کرد که چه لزومی بر حرکت مهره های شطرنج مات شده است؟! در مراسم معارفه رجبی به عنوان فرماندار مازندران به یاد داریم که امام جمعه سورک با انتقاد از نبود مشورت با وی در خصوص انتخاب اولین فرماندار، بسیار از مسوولان گله کرد، اما رجبی به امام جمعه گفت: قول می دهم طوری کار کنم که وقتی می خواهم بروم خود شما مخالفت کنید! علی رجبی یک سال و نیم فرماندار مازندران بود؛ مازندران در مدتی است شهرستان شده و از این قبل چندان سودی نبرده است. خواسته مردم مازندران از شهرستان مستقل اختصاص بودجه های مناسب و رفع مشکلات

یادداشت میهمان

من سنگ بخورم بقیه سنگ!



مهدی روحی
سردبیر روزنامه دیار سبز

دوستی دارم که سال ها در آلمان زندگی کرد- مثل پروفیسور بوداغی خودمان که سال هاست در آلمان زندگی می کند و گهگاهی به وطن می آید. پروفیسور روزی در نشست می گفت: «اوایل فکر می کردم راننده ها در اینجا نابغه هستند». دوست ما نیز بعد از بازگشت به وطن می ترسید حتی سمت کمک راننده بنشیند، او مدام از همه ایراد می گرفت و رانندگی نمی کرد. به هر راننده ای هم که سوار خودرویش می شد درس فرهنگ می داد، فرهنگ درست رانند و خوب رانندگی کردن. امروز اما همان دوست دوست داشتنی از چراغ قرمز هم می گذرد، روی خط کشی عابر پیاده گاز می دهد و به عابری که این منطقه را برای عبور و مرور انتخاب کرده می گوید «برو کنار سوسول!» دوست ما حتی دیگر کمربند ایمنی اش را هم نمی بندد و خلاصه شبیه خودمان شده است. حالا حکایت ما نیز مشابه همین دوستی است که چون نمی خواست رستوا شود، هم رنگ جماعت شد. آری! این حرف است که وظیفه ما "رسالت درست" است، خبرسانی است، پل ارتباطی بین مردم و مدیران است، انتخاب افراد شایسته و با تجربه و متخصص در کارمان است، حرف درستی است و در جایی دیگر در زمره واجبات محسوب می شود! یک همکار چنین شرح وظیفه ای دارد: خودش نان سنگک بخورد، دیگران سنگ، تنها رسانه برتر منطقه و کشور و بین المللی، رسانه اوست و هیچ احدی حق ندارد با غیر از رسانه او در ارتباط باشد، همه خوبی او را بگویند و تشویقش کنند و وقتی هم که دوستان دیگر در جایگاهی مورد قدردانی و تجلیل قرار گرفتند، دوباره همه ملت او را مورد لطف و عنایت خویش قرار دهند! حالا با این اوصاف چنین آدمی حق دارد راجع به همه اظهار نظر کند و شخصیت همه را به بازی بگیرد و پیش از آن گلیمش دراز تر کند و مدیر و مسئول یک قسمت اداره را تهدید به برکناری کند. در خصوص ادارات که خودش را کوچک نمی کند و فقط در خصوص استانداری و وزارتخانه و لیاقت و بی لیاقتی افراد نظر می دهد! و امروز باید به او حق داد تا در خصوص او، اما، دستگاه فضایی میر و مرخ نورد ناسا حرف بزند! انسانی که از جایگاه خود برای منافع شخصی استفاده می کند و ریاسر تاپای وجودش ریشه کرده، انتظاری جز این، از او نیست. کسی که خود را منادی فرهنگ می داند ولی استخدام "شر خر" جزء اصول روزمره رفتاری اوست، کسی که رحم به هیچ بنی بشری نمی کند با استفاده از جایگاه رفیع و مقدس قلم، برای تجارت خود آن چنان پارا از حد فراتر می گذارد که تاجر هم سر از رموز کاری او در نمی آورد، کسی که بیت المال برایش بهیتم مال (اصطلاح مازندرانی ها) باشد چه دلیلی دارد که به فکر رسالت خبری و ارزش قلم باشد و هر روز ادای این و آن را در بیاورد؟! او خدا را بنده نیست، چه دلیلی دارد که به فکر قداست قلم و معیشت دیگران باشد و وقت خود را تلف کند؟! بله! باید یک نهیب به خودی ما بزنیم که شاید one number باشی عزیز، اما وصله ناجور این جماعت نباش. اینانی که امروز دایه مهربان تر از مادر شدند همان هایی هستند که تا دیروز فلانی را که حتی عاجز از دو خط نوشتن بود یک پاور یا پانالاچی می دانستند، چه شد که امروز اوریا نا فالالچی وطنی را نمی شناسند؟! همان هایی که برای بالا رفتن از نردبان سست مدیریتی شان هزار وعده و وعید می دادند، کجایند؟! چرا امروز رنگ باختند و خبری از ایشان نیست؟! دوست خوب من این سرزمین عشق، این خاک پاک و این پرچم مقدس وصله تن می خواهند نه دوست دشمن نما. این مردم قلمی با شرافت می خواهند و انسان با شرف که غیر از این برای مردم پذیرفتنی نیست. اینها مردمانش از جان، برای عزت و عظمت سرزمینشان مایه می گذارند. دوست خوب من! اینجا هم رنگ نبودن با جماعتی که یک وجب از خاک خود را به بیگانه نمی دهند و برای آن وجب از جان و مال و ناموس خود می گذرند عار نیست، افتخار است، پس تو هم بیا با ما همتوا باش و افتخار کن به مردمی که همیشه و در همه جا جبهه عزت پرچم شان به هیچ چیز دیگری فکر نمی کنند.

دوباره وارث

مجید عرب فیروز جایی، رییس انجمن صنفی خبرنگاران بابل

حدود دو هفته از خطای روزنامه وارث و توقیف این روزنامه محلی می گذرد. درج آن متن در روزنامه وارث که صرفاً از روی خطای سهوی انسانی صورت گرفت و به هیچ عنوان مورد تایید هم نمی باشد، تا چند روز فضای رسانه ای استان را تحت الشعاع خود قرار داد. در این مدت رسانه های مجازی، مطبوعات و صاحبان قلم و اندیشه هریک به نوعی به تجزیه و تحلیل این موضوع پرداختند. عده ای علت را ضعف رتبه و کلاس مطبوعات استان و نبود افراد قوی در این حوزه، برخی بی توجهی کافی مدیران مسئول رسانه های استان به رسالت خطیرشان و عده ای هم ناآگاهی خبرنگاران را دلیل این اتفاق ناخوشایند دانستند، اما همه ما به این امر واقفیم که هر چه بود ناخواسته بود، لیکن چه خوب بود که ما قشر فرهنگی و مطبوعاتی و در راس آن خانه مطبوعات استان، قبل از این اتفاق به مسایل فوق توجه بیشتری می کردیم و باید قبول کنیم که همه ما در کاستی های مطبوعات استان مقصر هستیم. حال که یکی از رسانه های خوب استان دچار چنین مشکلی شده، باید سعی کنیم چاره ای بیندیشیم تا از تکرار چنین امری جلوگیری شود، نه اینکه تیر انتقادها را به سوی این روزنامه نشانه بگیریم؛ زیرا زمان مناسبی برای انتقاد نیست، بلکه اینک فرصت بررسی نارسایی های مطبوعات استان



آن است و نه مقبول دین و اخلاق دینی جامعه ما. شنیده ایم که هیات نظارت بر مطبوعات برای این روزنامه رای صادر و به یک تذکر بسنده کرده است. از این رای استقبال می کنیم و منتظر ورود دوباره وارث البته با تدبیر و تولید محتوای بیشتر و حفظ حقوق مادی و معنوی کارکنانش می مانیم. همه ما به اهداف و حسن نیت مدیران و کارکنان این رسانه آگاهیم و حرکت مدیر مسئول روزنامه وارث بعد از این اتفاق ناخوشایند در پوزش خواهی از محضر رهبر معظم انقلاب، خانواده های معظم شهدا و ملت شریف ایران صحه ای بر این گفته هاست، پس در این شرایط که روزنامه تاوان سنگینی را به خاطر یک اشتباه سهوی پرداخت نموده و هر آن ممکن است اتفاقاتی از این دست دامنگیر مطبوعات دیگر استان شود چه خوب است همه ما مطبوعاتی ها مشکل وارث را مشکل خود تلقی کنیم و برای بارش دوباره وارث تلاش کنیم.



به بهانه سالگرد عملیات (کربلای ۴)

هیچ کس سالم بر نمی گردد

محمد اسماعیل بخشی سورگی

چندین بار بمباران کنار نهر عرائض و همچنین اجرای آتش موثر روی رودخانه اروند، عملاً سازمان غواص ها و نیروهای موج دوم و سوم را به هم زدند، به طوری که نیروهای یگان های مجاور پراکنده شده و اغلب نمی توانستند روی هدف عمل کنند. علی صبح خیز از دیگر رزمندگان شهر سورگ با بیان اینکه دشمن از لحظه عملیات کربلای چهار با خبر بود ابراز داشت: دشمن به شدت نقطه رهایی را می کوبید به گونه ای که تیرها در اثر برخورد با قناسه تفنگ کمانه می کرد. وی گفت: یکی از مناطق حساس عملیات، جزیره ام الرصاص و نوک بوارین بود که به رغم تلاش بسیاری که برای تصرف آن انجام شد، به خاطر هوشیاری دشمن امکان ادامه درگیری از میان رفت. صبح خیر ادامه داد: دشمن با شلیک پرحجم تیربار روی آب، از عبور نیروها از تنگه ام الرصاص بوارین جلوگیری کرد. وی اضافه کرد: به خاطر حساسیتی که دشمن نسبت به ام الرصاص داشت، در پدافند آن از نه رده موانع طبیعی و مصنوعی بهره می برد، به طوری که هرگاه از هر خط عقب رانده می شد، در خط بعدی که نسبت به خط قبلی اشرف و تسلط داشت، مقاومت می کرد. صبح خیر گفت: در این عملیات تا نزدیکی ساحل رسیدم اما آنجا دست، کتف، بازوها و سپس گونه و کام بنده مورد اصابت ترکش قرار گرفت و کل بدنم با خون آغشته شد.

عراقی ها از جزئیات عملیات کربلای چهار خبر داشتند
سرهنگ پاسدار علی نقی اباذری، فرمانده گردان خط شکن عاشورا در عملیات کربلای چهار، در تشریح علل ناموفق بودن این عملیات اظهار داشت: پس از فاش شدن قضیه مک فارلین عراقی ها به امریکا بدبین شدند. وی گفت: امریکا برای به دست آوردن دوباره اعتبار خود در قبال عراق سعی کرد با کمک جاسوسی و اطلاعاتی به این کشور به نحوی جبران مافات کند، از این رو برای این کار دقیق ترین جزئی ترین خبرها را درباره عملیات کربلای چهار در اختیار عراقی ها قرار داد. فرمانده گردان خط شکن عاشورا در عملیات کربلای چهار تصریح کرد: اظهارات مقامات عراقی در مورد اهداف عملیات و نتیجه آن حاکی از آن بود که اطلاعات ارسالی به عراق حاوی نکات قابل ملاحظه ای بوده و حتی رادیوی عراق پیشاپیش تبلیغات می کرد که عملیات ایرانیان شکست خورده است. اباذری ادامه داد: وزیر دفاع عراق با تشکر از امریکا گفته بود ما به خاطر این اطلاعات از آنان تشکر می کنیم. وی با اشاره به تلفات و خسارات وارد بر دشمن افزود: با تمام این تفسیر بیش از هشت هزار کشته و زخمی، ۱۶۰ اسیر، انهدام حدود ۷۰ دستگاه زرهی، مکانیزه و خودرو و انهدام تعداد زیادی سلاح سبک و نیمه سنگین از دستاوردهای این عملیات بود. در این عملیات ۴۰ نفر از رزمندگان شهر سورگ با نوشتن وصیت نامه دست جمعی و امضای آن در شب عملیات که در نوع خود کم نظیر بوده، وفاداری خود را به امام و آرمان های بلند انقلاب نشان دادند. شهر سورگ که آن روزها روستای بزرگی بود در این عملیات ۹ شهید و ۳۰ مجروح و جانباز را تقدیم اسلام و انقلاب کرد. در قسمتی از وصیتنامه دسته جمعی رزمندگان شهر سورگ که قبل از آغاز عملیات کربلای چهار نوشته شده آمده است: کجاست غیرت و جوانمردی و فتوت و نوع دوستی که یک خانواده ده نفری دزفولی تکه تکه شوند و انسان فقط به زن و فرزند و دارایی خود بچسبد و آنوقت هم دم از مسلم و مومن بودن بزند. حال که چند ساعتی به آغاز عملیات نمانده و فرزندان شما می روند تا خط شکن جبهه اسلام باشند در آخرین ساعات حیات فانی خویش و حیات ابدی در جوار قرب الهی. ما هر نعمتی کسب کردیم به برکت رهبری امام بود. همگی را به جهاد مقدس در راه خدا دعوت می کنیم همانطوری که مولایمان علی (ع) در آخرین ساعات عمرش طبق وصیتی فرمودند: خدا را در مورد جهاد با اموال جان ها و زبان هایتان، مبادا در اولین راه سستی به خرج دهید. شب گذشته نیز به پاسداشت شهدای گرانقدری که در این عملیات به شهادت رسیدند مراسم گرامی داشتی در مسجد جامع شهر سورگ برگزار شد و جمعی از رزمندگان دیروز و جوانان امروز مستمع ذکر خاطرات شهدا بودند.

شهر سورگ اظهار داشت رزمندگان در دو گروه غواص خط شکن و گروه غواص آبی و خاکی تقسیم شده بودند. وی گفت: غواصان خط شکن باید عرض اروند را شنا کرده و سپس موج اول درگیری با دشمن را آغاز می کردند. وی ادامه داد: بنده در بین رزمندگان موج دوم، با لباس غواصی در داخل قایق، آماده دستور فرمانده بودیم تا با شکسته شدن خط به سمت معبر اصلی حرکت کنیم. قدوسی گفت: آتش پدافند دشمن به حدی بود که تصور می شد خمپاره ها در هوا با یکدیگر برخورد می کنند. وی با اشاره به دیدن صحنه های جانسوز شهادت چند تن از رزمندگان شهر سورگ افزود: بسیاری از قایق ها به علت ازدیاد حجم آتش دشمن با یکدیگر برخورد کرده و نیروها یا در داخل آب افتاده و یا در اثر انفجار سریع قایق در آتش می سوختند. قدوسی ابراز داشت: در نهایت با تمامی مشکلات و موانع، نیروهای موج دوم توانستند سنگرها را پاکسازی کنند اما در ظهر روز بعد با اعلان دستور عقب نشینی به پشت خط منتقل شدند

مظلومیت شهدای کربلای ۴ تداعی کننده مظلومیت ابا عبدالله الحسین (ع) است

سرهنگ پاسدار غلامرضا رضایی، یکی دیگر از رزمندگان شهر سورگ اظهار داشت: روحیه ایمان و اخلاص رزمندگان در این عملیات کم نظیر بود. وی با اشاره به اینکه غواص های خودی ساعاتی قبل از عملیات به درون آب رفته و به سمت خط دشمن حرکت کرده بودند افزود: در این میان، نیروهای دشمن که کاملاً آماده و هوشیار بودند ضمن پرتاب منور، با تیربار و خمپاره به طرف نیروهای خودی شلیک می کردند. در مجموع، عملیات خارج از کنترل و هدایت فرماندهی قرار گرفته بود و قبل از هر دستوری یگان ها با توجه به نوع وضعیت و هوشیاری و عکس العمل دشمن به محض رسیدن به ساحل، درگیری را آغاز می کردند. رضایی گفت: مظلومیت شهدای عملیات کربلای چهار تداعی کننده غربت و مظلومیت ابا عبدالله الحسین (ع) و یاران باوفایش در روز عاشورا است. با اینکه دشمن از هوا و زمین آتش می ریخت اما یاران اسلام و امام (ره) مرگ را با چشمان خود دیدند و با اشتیاق شهادت را در آغوش کشیدند.

در غوغای خمپاره و تیر و ترکش صدا به صدا نمی رسد
حجت الاسلام عسکری بخشی که در این عملیات حضور داشت می گوید: از خانواده ما با اینکه برادرم در عملیات قدس یک، در سال ۶۴ به شهادت رسیده بود اما بنده و پدرم هر دو در این عملیات حضور داشتیم. شدت آتش دشمن به گونه ای بود که بوی باروت تمام فضای منطقه را پر کرده بود و در این غوغای خمپاره و تیر و ترکش صدا به صدا نمی رسید. نیروهای دشمن با پرتاب پی در پی منور و اجرای

گردان عاشورا بر عهده حاج علی نقی اباذری که خود از رزمندگان شهر سورگ است بوده اظهار داشت: در این گردان نزدیک به پنجاه نفر از رزمندگان شهر سورگ شرکت داشتند. فرمانده گروهان حضرت فاطمه الزهرا (س) در عملیات کربلای چهار ادامه داد: رمز عملیات یا محمد (ص) بود که آغاز آن حدود ساعت ۲۲:۴۵ روز سوم دیماه سال ۶۵ اعلام شد و لشکر ۲۵ کربلای مازندران از سه معبر عملیاتی وارد عمل شد که فرماندهی معبر میانی و در واقع معبر اصلی بر عهده بنده بود یک پنجم غواصان از رزمندگان شهر سورگ بودند در این عملیات، شهر سورگ نزدیک به ۳۰ غواص داشت. این تعداد به این مفهوم بوده که یک پنجم از کل غواصان گردان از رزمندگان شهر سورگ بودند که این خود افتخار بزرگی برای مردم شریف این شهر است. محمدزاده اضافه کرد: به واسطه لورفتن عملیات، دشمن به شدت منطقه را زیر رگبار گلوله قرار داد و با منور کل منطقه عملیاتی را مانند روز روشن می کرد. وی افزود: با وجود آتش سخت دشمن معبر وسط شکسته شد اما در معبرهای کناری موفقیتی حاصل نشد و نیروهای عمل کننده توانستند در جزایر سهیل، قطعه، ام الرصاص، ام البابی و بلجانیه نفوذ کنند و در برخی مناطق به صورت موضعی رخنه کنند. فرمانده گروهان حضرت فاطمه الزهرا (س) در عملیات کربلای چهار ابراز داشت: شهر سورگ در این عملیات ۹ شهید و ۳۰ مجروح و جانباز تقدیم اسلام و انقلاب کرد.

محسن رضایی گفت: کسی از این عملیات سالم بر نمی گردد
علی اکبر علیخانی، از رزمندگان شهر سورگ که در عملیات کربلای چهار بوده اظهار داشت: یک شب مانده به عملیات محسن رضایی که فرمانده آن زمان سپاه بود برای سخنرانی و تقویت روحیه رزمندگان در بین ما حاضر شد و گفت اگر بین شما کسی احساس می کند که از این عملیات سالم برمی گردد سخت در اشتباه است. علیخانی ادامه داد: محسن رضایی با سخت خواندن شرایط از حاضران خواست که اگر در بین شما دو برادر یا دو نفر از یک فامیل و یا چند نفر از یک روستا و یا محل هستند می توانند تعدادی بمانند و تعدادی برگردند. وی به بی اطلاعاتی محسن رضایی از اینکه ۵۰ نفر از روستای سورگ در این گردان حضور دارند اشاره کرد و افزود: وقتی محسن رضایی این جمله را عنوان کرد به یکباره رزمندگان چنان تکبیری گفتند که زمین زیر پای ما به لرزه در آمد و با این کار خود نشان دادند که تا آخرین نفس، پای امام و ارزشهای انقلاب ایستادند.

فکر می کردیم خمپاره ها در هوا با یکدیگر برخورد می کنند
محمد ابراهیم قدوسی، یکی دیگر از رزمندگان

عملیات کربلای چهار، که در نخستین روزهای زمستان سال ۶۵ صورت گرفت هیچ گاه مظلومیت و شجاعت بسیجیان لشکر ۲۵ کربلای مازندران و رزمندگان شهر سورگ را فراموش نمی کند. پس از ده ماه بسیج امکانات و مقدرات کشور و استفاده از تبلیغات گسترده و وسیع مبنی بر تعیین سرنوشت جنگ، در شرایطی که منابع صنعتی و اقتصادی و مراکز آب و برق کشور هدف بمباران شدید و گسترده دشمن قرار داشت عملیات کربلای چهار در سوم دیماه ۶۵ با چهار قرارگاه نجف، قدس، کربلا و نوح آغاز شد. تصمیم برای یکسره کردن کار جنگ با اجرای یک عملیات بزرگ، تلاش سپاه پاسداران را برای طراحی عملیات کربلای چهار در منطقه ابوالخصب و شلمچه باهدف رسیدن به دروازه های بصره در پی داشت. همراه با فشارهای اقتصادی، تحرک جدید دشمن در عرصه زمینی که پس از اشغال اراضی کشور در آغاز جنگ، برای نخستین بار صورت می گرفت جبهه خودی را تحت فشار قرار داده بود. تصرف منطقه استراتژیک فاو و جداسازی بخش جنوبی سرزمین عراق، از این کشور اقتضای کرد که مناطق مهمی چون بصره و ام القصر مورد توجه قرار گیرد و به نظر می رسید، توقف در این منطقه و عدم توسعه وضعیت، به زبان نیروهای خودی باشد. منطقه عمومی بصره در جنوب، مهمترین منطقه ای بود که از تابستان سال ۶۱ همواره برای عملیات بزرگ و سرنوشت ساز مورد توجه فرماندهان بود و عملیاتی متعددی در این جبهه ها انجام شده بود. شرق بصره، هورالهویزه و فاو مناطقی بودند که در سالهای ۶۱ تا ۶۴ عرصه نبرد میان رزمندگان اسلام و دشمن بودند. تنها منطقه هایی که در آن عملیاتی صورت نگرفت، منطقه ابوالخصب، جزیره مینو و بخشی از زمین شلمچه بود که در میان هدف های مطرح در اطراف بصره، به دلیل نزدیکی به شهر، مهم تر از بقیه بودند. استحکامات، آرایش سلاح و یگانهای دشمن در این منطقه بیشتر از سایر مناطق عملیاتی بود و این موضوع موجب شد که طی چهار سال پس از عملیات رمضان، فرماندهان نظامی توجه جدی به این منطقه کنند. افزون بر این، اهمیت شهر بصره که هدف اصلی استراتژی نظامی جمهوری اسلامی پس از فتح خرمشهر به شمار می رفت، مهم ترین عامل در انتخاب این زمین برای عملیات کربلای چهار بود. از دیگر ویژگیهایی که سبب انتخاب این منطقه برای عملیات شد، عوارض موجود در زمین غرب اروند در منطقه ابوالخصب بود، زیرا وجود نهرها، نخلستانها و کانالهای کشاورزی و نبود استحکامات در منطقه پتروشیمی تا بصره این منطقه را قابل تصرف و پدافند می کرد. به دلیل آن که دو جناح منطقه عملیاتی، از شمال به ایگرگتی شلمچه و کانال ماهیگیری و از جنوب به خور زبیر و زمینهای باتلاقی اطراف آن محدود شده بود، قدرت تحرک دشمن ضعیف برآورد می شد. در چنین شرایطی بر اساس راهبرد نظامی ارائه شده از سوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به مسئولان کشور برای نیل به پیروزی در جنگ باید در جبهه جنوب، جاده های شمالی و جنوبی بصره و در جبهه شمالی جاده های مواصلاتی کرکوک به بغداد قطع و یا تهدید شوند و در نتیجه صدور نفت عراق به خارج کاملاً قطع و سپس حرکت اصلی به سمت بغداد شروع شود.

مشارکت ۲۰ گردان لشکر ۲۵ کربلای ۴
سرهنگ پاسدار محمود محمد زاده که در عملیات کربلای چهار فرماندهی گروهان حضرت فاطمه الزهرا (س)، گردان عاشورا بر عهده داشت در گفتگو با خبرنگار مهر در تشریح اهداف این عملیات با بیان اینکه تعداد زیادی از رزمندگان شهر سورگ در این عملیات حضور داشتند اظهار داشت: این افتخار بزرگی بود که نصیب مردم و رزمندگان دلاور شهر سورگ شد که در این عملیات بزرگ، پرچمدار مبارزه با جبهه کفر بودند. وی گفت: لشکر ۲۵ کربلای مازندران در عملیات کربلای چهار، نزدیک به ۲۰ گردان عملیاتی داشته که از بین آنها گردان عاشورا به عنوان خط شکن انتخاب شد. وی با بیان اینکه فرماندهی

تشییع جنازه ۵ شهید گمنام در قائم شهر

عکس: حمید صالحی

یادداشت کوتاه

هزار زخم هراز



سیمیرا عقیپور اسک
مؤسس و رئیس هیئت مدیره
انجمن سروقامتان دور اندیش:

رودخانه ی هراز در چند دهه ی اخیر دستخوش تغییرات قابل توجهی از سوی انسان در آن شده است که می توان برای نمونه به استقرار برخی واحد های خدماتی، علی الخصوص معادن برداشت شن و ماسه در بستر رودخانه و حوضچه های پرورش ماهی اشاره کرد. قابل ذکر است که رودخانه ی هراز از جمله رودخانه های حفاظت شده ی سازمان حفاظت محیط زیست است که در ایران جزء نادر بوده و تنها زیستگاه ماهی حمایت شده و در حال انقراض قزل آلا ی خال قرمز است. اگر شما به مرز این رودخانه ی حفاظت شده دقت کنید (از پلور تا انتهای شهر گزنک) متوجه تعرض به بستر رودخانه، برداشت های غیر علمی، تخریب و غیره خواهید شد. تنها جایی که در چند سال اخیر به آن چشم امید داشتیم که مامنی برای ماهیان خال قرمز به شمار می آمد (از روستای اسک تا پلور) اکنون از گزند حوادث انسانی در امان نمانده و شاهد جاده سازی در مناطق بکر این محدوده هستیم. جاده سازی با بهانه ی تعریض محور هراز نیست بلکه احداث جاده ای در منطقه ی بکر و غیر قابل دسترسی در آن سوی رودخانه ی هراز است که نه تنها موجب تخریب ۱۰۰ درصدی رودخانه هراز شده، تهدیدی برای از بین بردن نسل ماهی های خال قرمز می باشد. گرچه دست اندرکاران این طرح وزارت راه و شهرسازی است و دلیل این امر را غیر استاندارد بودن محور در این سو (جاده ی موجود) می دانند، با نظریه ی برخی کارشناسان مجرب سازمان محیط زیست استان مازندران و کارشناسان و استادان دانشگاه در رشته ی زمین شناسی، انتقال محور در آن سونه تنها که موجب از بین رفتن محیط زیست طبیعی آن محدوده شده بلکه از نظر امنیتی و رانشی بودن منطقه نیز مورد تایید نمی باشد. حال خودتان قضاوت کنید اندک منابع و مناطق بکری که در ایران محفوظ مانده است، چگونه در اجرای طرح و پروژه های عمرانی در حال تخریب است!

دعوا سر پول بود

قطار ساری-مشهد برگشت

۲۲ آذر ماه امسال خبری را در این پایگاه خبری انتشار دادیم که در آن از حذف قطار مسافری ساری-مشهد خبر داده بودیم. در آن خبر آمده بود که به دلیل بدهکاری شرکت طرف قرارداد به راه آهن جمهوری اسلامی ایران، تصمیم گرفته شد تا اطلاع ثانوی این قطار حذف شود. راه آهن بابت هربار رفت و برگشت این قطار از ساری به مشهد و برعکس، مبلغ ۴/۵ میلیون تومان از شرکت خصوصی درخواست داشت که شرکت نیز به دلیل سودآور نبودن، زیربار نرفت و به همین دلیل حرکت قطار در این مسیر پرتردد متوقف شد. البته مادر همان خبر احتمال توافق راه آهن و شرکت طرف قرارداد را داده بودیم، حال این توافق حاصل شده و چند روزی است که با افزایش ۶۵۵۰ هزار تومانی بلیت (از ۲۱۹۵۰ تومان به ۲۸۵۰۰ تومان) سوت قطار دوباره در این مسیر پرترفدار شنیده می شود. بر اساس این گزارش، در چند روز گذشته قطار بدون هیچ تغییری، با همان کیفیت نامطلوب سابق فعالیتش را از سر گرفته است.



چنین با شور و نغمه، شعر و داستان

گزارش تصویری از چله شو (شب یلدا) روستای سنگده دودانگه ساری

یادداشت کوتاه

آیین های چله شو
در غرب مازندرانمحمد حسین ملایی
کندلوسی
خبرنگار مازندنومه

در شهرستان های غرب مازندران آیین شب یلدا همچون دیگر نقاط ایران اسلامی با شیوه خاصی برگزار می شود. یکی از این مناطق، بخش تاریخی کجور نوشهر است که اهالی آن در شب یلدا، لباس محلی می پوشند، غذای محلی می پزند و باطل و سرنا و خواندن نغمه های محلی به رقص و پایکوبی می پردازند تا شادمانی را به یکدیگر هدیه کنند. در چنین شبی هنرمندان آواز خوان، امیری و طالبای می خوانند و نوازندگان با سرنا و نی موسیقی های شادی می نوازند. گرفتن فال حافظ و شکستن گردو برای هر فرد از دیگر برنامه های شب چله در این منطقه است که به یادگار مانده است. اهالی بخش تاریخی کجور نوشهر در شب یلدا، لباس محلی می پوشند، غذای محلی می پزند و با خواندن نغمه های محلی به شادمانی را به یکدیگر هدیه کنند. با توجه به اینکه کجور یکی از نقاط فرهنگی با قدمت تاریخی ۳۰۰۰ ساله می باشد مردم آن نیز در این شب با گرد هم آمدن در کنار خانواده سنت زیبایی گذشتگان خود را در شب یلدا جشن می گیرند. فرزندان هر خانواده هم از راه های دور و نزدیک به دیدار بزرگ ترها رفته و این شب را در کنار یکدیگر جشن می گیرند. مردم در این شب که آن را شب چله نیز می نامند معتقدند باید چهل نوع خوراکی برای خوردن آماده کنند تا بلندای شب یلدا را با آن همراه با شادی سپری کنند که این امر به صورت نمادین و با تهیه غذاها و تنقلات محلی در کجور انجام می گیرد که در کنار آن فانوس بعنوان نماد روشنایی و خوشبختی تا شب یلدا سال بعد روشن می شود. در این شب مصفا، اهل خانه و خویشاوندان به گرد هم جمع می شوند و علاوه بر خوردن تنقلات از جمله هائیشیت (گندم بو داده و شاهدانه با کشمش و مغز گردو) که توسط بانوی خانه آماده می شود، میوه های پخته به نام هکشی درست می کنند. در برخی روستاها گندم را تفت داده و به آن برخی افزودنی های محلی و طبیعی نیز اضافه می کنند که در نهایت ماده غذایی خوشمزه و مقوی بدست می آید. تهیه انواع کلوچه، حلوا، آجیل، میوه و انواع خوراکی های دیگر از جمله مقدمات جشن شب یلدا در روستاهای غرب استان است. میوه های جنگلی مانند لیک، کنس (ازگیل وحشی) را به همراه سایر میوه های رایج را برای جشن شب یلدا آماده می کنند. همچنین با استفاده از برنج و عسل ماده غذایی به نام "بادونه" درست کرده و در آن شب در کنار اعضای خانواده می خورند. اهالی در گذشته با شکستن ۱۰ عدد گردو خوش اقبالی یا بد اقبالی افراد را در آن می دانستند به گونه ای که اگر گردوی شکسته شده به نام فردی سالم بود وی سالی خوش شانس در پیش دارد و در غیر آن بد شانسی گریبانگیر او خواهد شد. برای گرفتن فال از دیوان حافظ، به نام هر یک از آنهاپی که در شب نشینی یلدا حاضر هستند مهره مشخصی که متمایز از مهره های دیگر افراد حاضر در آن خانه شناخته می شود در کوزه های می ریزند و بعد هم دیوان را باز می کنند و شروع به خواندن غزل می کنند و در هر غزل مهره ها را از کوزه بیرون آورده تا معلوم شود که آن غزل برای فال کدام یک از افراد است. خواندن اشعار محلی، روایت داستان های اساطیری و اجرای برخی بازی های محلی از جمله دیگر مراسم آیین شب یلدا در منطقه کجور مازندران است. اکنون بسیاری از آیین ها از جمله شب یلدا به دلیل تغییر در نگرش ها و همچنین وضعیت اقتصادی خانواده ها از شکل و شمایل اولیه اش فاصله گرفته و حتی کمرنگ شده است.



مصطفی کاظمی شهباهی
عکاس مازندنومه

نور و غزل و چای و انار و لبخند

یادداشت کوتاه

چنان معروف شد

یلدا

فریده یوسفی
نویسنده و پژوهشگر



ایرانیان باستان آخر پاییز و اول زمستان را شب زایش مهر یا خورشید می خواندند و به این مناسبت جشن برپا می کردند. بعضی از ایام در تقویم هرملتی از اهمیت و پشتوانه تاریخی و فرهنگی خاصی برخوردارند که یکی از این ایام برای ما ایرانیان شب یلدا است. شب یلدا در مازندران به چله شو معروف است. در باور عامه، ماه های دی و بهمن به دو چله ی بزرگ و کوچک تقسیم می شد. چله ی بزرگ یا برادر بزرگتر چهل روز بود از اول دی ماه تا دهم بهمن. چله ی کوچک از یازدهم بهمن تا پایان بهمن یعنی بیست روز بود. اول اسفند تا بیست اسفند پیرزناچله و ده روز آخر عجزو بجوز نامیده می شد.

از دیرباز طولانی ترین شب نشینی در شب یلدا اتفاق می افتاد. مردم معتقد بودند که در این شب جنگ سختی بین نور و تاریکی در می گیرد و آن ها با گفتن قصه و خوردن تنقلات سعی می کردند، بیدار بمانند تا جمل و تاریکی را از جهان دور کنند. نقالان به شاهنامه خوانی می پرداختند. انار میوه ثابت سفره شب یلدا بوده و هست. همچنین بر این باورند که خوردن هندوانه در این شب آن ها را در برابر سرمای زمستان محفوظ نگاه می دارد غیر از این ها خوراکی های بومی مانند پیس گنده، پشت زیک، کنس / کندس و ... زینت بخش سفره ی یلداست.

برخی از خانواده ها در این شب ورف شکر saker varfe درست می کردند که مخلوطی از برف و نیشکر بود و به همه ی اعضای خانواده حتی کودکان می خوردند و می گفتند برای سلامتی مفید است. احتمالاً با این کار بدنشان را به سرما عادت می دادند. (واکسینه می کردند)

از آنجایی که این شب از نظر مردم بسیار مهم بود، موجب زایش باورها و خرده فرهنگ هایی شده است. بعدها حافظ خوانی و فال حافظ هم به شب نشینی شب یلدا اضافه شد.

بعضی ها هم با انتخاب و شکستن گردو، فال می گیرند. به این ترتیب که در شب یلدا گردویی زیر بالش خود قرار داده، نیت می کنند و می خوابند. صبح فردا با شکستن گردو (پوچ یا سالم بودن آن) فال می گیرند.

به نظر می رسد، دور هم نشینی شب اول زمستان، زدودن ترس از سرما و سختی های پیش رو در زمان هایی که یخبندان و به قول مازندرانی ها دربندون می شد، بود.

رفتن به نزد بزرگترها و شنیدن قصه های عبرت آموز آنان در مورد زمستان های سخت و یخبندان های طولانی به نوعی پناه بردن به افراد باتجربه و مددجویی از آنان برای تقویت روحیه و زنده ماندن تا آغاز بهار بود که دوباره زایش و زندگی آغاز شود. یلدا به ما می آموزد که حداقل سالی یکبار هم شده دور یک سفره گرد هم آییم و درباره ی آینده گفتگو کنیم.

یلدا موجب انسجام فرهنگی ماست. این جشن ها به ما هویت داده، به استحکام ریشه های مان کمک می کند.

اگر امسال با تبر ریشه ی انار خوشمزه ای که شب یلدا نوش جان می کنید، قطع کنید، یلدای دیگر جز چوب خشکی برای سوزاندن ندارید و دو یلدای دیگر از آن چوب خشک هم اثری نیست.

در جهان شتابنده ی امروز که به سوی خردورزی و عقلانیت گام بر می دارد، یلداها و نوروزها و دیگر اعیاد ملی و مذهبی هستند که خالهای عاطفی را پر کرده، گره های آن را به هم نزدیکتر می کند.

به صاحب دولتی پیوند اگر نامی همی جویی که از یک چاکری عیسی چنان معروف شد یلدا (سنایی غزنوی)



حاشیه های از رونمایی مستند ۱۶۲ گزارش

کشور فقط دانشگاه امام صادق نیست

می کند؟ چه کسی؟ ضرغامی؟ نه من به او نیاز دارم نه او به من. سوال من این است که آیا شما از ضرغامی انقلابی تریدید؟

تلویزیون زیر نظر ضرغامی و لاریجانی و هاشمی همین بود. من برای برخی از هنرپیشه های زمان شاه احترام قائلم. آنها لاقبل ادا در نمی آورند.

(کوچک زاده در تلاش بود نام یکی از آن بازیگران را به یاد بیاورد): زمانی که آنها از امام رضا (ع) یاد می کردند لاقبل احترام حقیقی از خود نشان می دادند نه اینکه فیلم بازی کنند.

من می خواهم بمیرم که ستار بهشتی مرد اما یک آقا زاده با ۱۰ میلیارد تومان آزاد شد. ستار باید قانونی حسابش را پس می داد. او کچکاری بود که در رباط کریم کار می کرد و مهدی هاشمی آقا زاده ای که با ۱۰ میلیارد تومان وثیقه آزاد شد. آیا شما دنبال ترویج این دین هستید؟ شما دلتان برای دینی می سوزد که نایب یک قوه کشور ۷۰۰ میلیارد زمین داشته باشد؟

اگر شما ۱۰ تا آیت الله هم بالای سر این صداوسیما بگذارید از این بهتر نمی شود. موقعی که انقلاب شد همه پیرو امام خمینی شدند ولی امروز رهبری تنه است. حتی من که ادعای پیروی از او را دارم هم دروغ می گویم. آن کسی که اینها را ببیند می گوید آن دینی را می پسندم که در آن نفاق و دروغ نباشد. من می خواهم بگویم شما فقط ظاهر کار را ببینید.

وی با انتقاد از حضور خبرنگاران در جمع و بیان اینکه در چنین فضایی معذب است، ادامه داد: فکر می کردم صدا و سیما دست جریان انحرافی است!!

کریمی نسبت به سخنان کوچک زاده اعتراض کرد و سخنان او را غیرمرتبط با موضوع بحث خواند و اظهار کرد: امشب دیگر ما فراموش شده ایم. شما این حرف ها را می زنید و بعد می گوئید خبرنگاران نروند آگراندیسمان کنند. خب معلوم است وقتی حرف از



این مسائل می شود قطعا رسانه ای ها از آن استفاده می کنند. شما اصلا دغدغه مستند ما را متوجه نشدید. کوچک زاده نیز که گاه صدایش بالا می رفت، تاکید کرد: چرا مرتبط است. کسی که بلد است ۱۰ میلیارد پول برای آزادی فرزندش بگذارد کارهای دیگر هم بلد است!

اصلا خبرنگارها هرکاری خواستند انجام دهند! گاهی تصاویری از امام و رهبری کشیده می شود که کاملا مشخص است اشکال دارد یا در تلویزیون گاهی درباره امام (ره) حرف می زنند که حرف نزدن بهتر است. ما باید چه کنیم که قشر جوان علاقه مند به فضای هنری دنبال ترویج خمینی (ره) بدود؟

با ادامه اعتراضات نسبت به سخنان او، کوچک زاده از کسانی که مخالف حرفش بودند خواست دست خود را بالا ببرند. اکثر افراد دست شان را بالا بردند و او در ادامه خواست کسانی که موافقند از جایشان بلند شوند و کمتر از ۱۰ نفر از جای برخاستند.

ما باید چه کنیم که قشر علاقه مند به کارهای هنری خودش به دنبال ترویج تفکر خمینی برود؟ من بعد از سالها تجربه سیاسی و غیر سیاسی به این نتیجه رسیده ام که پاشنه آشیل انقلاب مردم اند و روزی که این مردم نباشند، این انقلاب مثل یخ می ریزد و آن چیزی که باعث می شود مردم نسبت به انقلاب بدگمان شوند این فضای بی عدالتی است که این آقایان به وجود آورده اند.



سید روح الله شجاعی
صفحه آرای نشریات
و خبرنگار مازندنومه

اخیرا بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق (ع) مستندی با عنوان "۱۶۲" در ۳۷ دقیقه تولید کرد. این مستند، با نگاهی به رسالت و وظیفه این رسانه مهم و تاثیرگذار، رویکردهای رسانه ملی را از جنبه های مختلفی مانند خانواده، نفاق رسانه ای، الگوسازی، ترویج موسیقی و ترویج اباحه گری مورد بررسی قرار داده است. برای این کار ویژه برنامه های نوروزی صدا و سیما که یکی از پر بیننده ترین برنامه های رسانه ملی در طول سال است، مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است. بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق (ع) تلاش کرده است با ساخت و تولید این مستند این رویکردها را به چالش بکشد. اما دوشنبه ۲۷ آذرماه سالن اجتماعات دانشگاه امام صادق (ع) شاهد رونمایی از این مستند بود. در آیین رونمایی از این مستند سید رمضان شجاعی کیاسری نایب رییس شورای نظارت بر صداوسیما، مهدی کوچک زاده نماینده مجلس و دکتر قدیری ایبانه کارشناس فرهنگی حضور داشتند؛ در حالی که فضای جلسه مملو از انتقادات تند دانشجویان به صداوسیما بود. حاشیه های این مراسم را به نقل از چند خبرنگاری و سایت اینترنتی یک جا گرد آورده ایم. بخوانید.



بدهد. تلویزیون ما باید بای بی سی مقابله کند و البته در این بین نباید از اصول و ارزشها عبور کند.

مجری مراسم بلافاصله در مقام پاسخگویی برآمد: اما به نظر ما این اتفاق افتاده است. وقتی اتاق آقای ضرغامی پر از مانیتورهای شبکه خارجی است عمده برنامه های تلویزیون هم پاسخ به شبکه های خارجی می شود. تمام تمرکز مدیران ما این شده است که چه کنیم مردم بی بی سی ببینند.

مهدی کوچک زاده، نماینده تهران دیگر میهمان جلسه با انتقاد از این رویه دانشجویان و منتقدان در نقد صداوسیما گفت: آیا شما از آقای ضرغامی برای انقلاب و خانواده های این جامعه و اسلام دلسوز تریدید؟ شما یک مطلب را فراموش کرده اید و آن اینکه واقعا چرا از زیر دست صداوسیما ضرغامی و لاریجانی چنین برنامه هایی بیرون می آید؟

من در مجلس به آقای توکل اعتراض کردم که چرا موضوع مرگ ستار بهشتی را مطرح کردی؟ من مدافع ستار بهشتی نیستم ولی امروز می خواهم بمیرم که ستار بهشتی مرد و آن آقا زاده دیروز با ۱۰ میلیارد وثیقه آزاد شد. من هم باشم از این دین بر می گردم.

این مستند به مسائل انحرافی پرداخته بود. صدا و سیما دارد بی حجابی را الگو

مروج نفاق و دورنگویی است. شجاعی کیاسری: رادیو و تلویزیون سه هدف اساسی دارد: اطلاعاتی آموزشی، تفریحی سرگرمی و تبلیغی ارشادی که این سه مورد هم به قانون صدا و سیما متعلق به دوران انقلاب بر می گردد.

در حالی که شما امروز به راحتی می توانید شبکه های تلویزیونی زیادی را دریافت کنید، صداوسیما می باید اعتماد سازی کند و مخاطب خود را جذب نماید و برای او خوراکی تهیه کند.

وقتی ساعت ۱۰ شب صدای الله اکبر همه جا به گوش می رسد می فهمیم که این افراد اطلاعات و تحلیل های شان را از رسانه های بیگانه کسب می کنند.

برخی مدیران ما جنس شان رسانه ای نیست و رسانه را اصلا نمی شناسند. الان یکی از مشکلات ما نداشتن فیلمنامه نویس خوب است و طبیعتا رسانه ملی ما این گونه نمی تواند برای نیاز مخاطبش پاسخی



کریمی مجری مراسم و از عوامل ساخت مستند: جنس مستند ما جنس دغدغه است. اعتقاد داریم که حرف ما شنیده نمی شود، بر خلاف آنچه معمولا گفته می شود تفکر ما، تفکر ما حاکم نیست و متأسفانه آنها که باید حرف ما را بشنوند علی رغم اینکه از جنس ما هستند حرفی نمی شنوند. من سیاسی بودن مستند را رد می کنم و آن را از باب امر به معروف می دانم.

سید رمضان شجاعی کیاسری نایب رئیس شورای نظارت بر صداوسیما و نماینده ساری: کیفیت این مستند از نظر تولید و محتوا حرفه ای است. جنس و ساختار رسانه با خاستگاه های دینی و اعتقادی ما مشترک نیست و رسانه ها اساسا بیشتر برای تفریح و سرگرمی به وجود آمده اند.

کارگردان اسلامی ما باید بتواند پوشش، آرایش و حرکت خانم بازیگری را که می خواهد نقش ایفا کند طراحی و کنترل کند.

این مسائل باید در تلویزیون اسلامی رعایت شود و با این نگاه کارها تولید شود. مدیران رسانه ما هم حقیقتا به دنبال گسترش ابتدال نیستند ولی چرا این اتفاق نمی افتد؟

چون اولاً کسانی که بازیگر و برنامه سازند آدم های «راحتی» هستند و بعد هم همانطور که گفتم جایگاه و ساختار رسانه اساسا این طور اقتضا می کند. علاوه بر اینکه اصلا رسانه تلویزیون رسانه ای جدی نیست.

کریمی در اعتراض به حرف های شجاعی در حالی که برافروخته شده بود، گفت: آقای شجاعی شما گفتید رادیو و تلویزیون رسانه ای جدی نیستند. این حرف شما نشان از آن دارد که حقیقتا برای رسانه برنامه و هدایتی در نظر ندارید. مطالبه واقعی ما در واقع از امثال شماسست که در شورای نظارت است. شما که رادیو و تلویزیون را جدی نمی دانید چطور می خواهید رادیو و تلویزیون اسلامی ایجاد کنید؟ ما صریحا اعتقاد داریم که جایی که شما بر آن نظارت می کنید در حال ضربه زدن به خانواده ها و